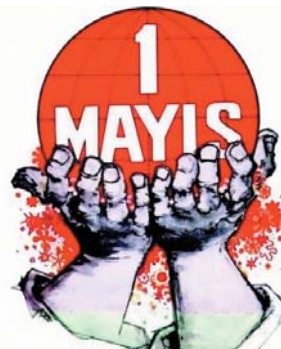




## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر (۲۰۱۸)

به اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر نزدیک می شویم. در این روز کارگران همه کشورها، آگاهی طبقاتی شان، آگاهی بر شرایط زندگی، کار و مبارزه شان و آگاهی بر راه رهایی از ستم و استثمار نظام سرمایه داری را به نمایش می گذارند. کارگران نشان می دهند که نظام استثمارگر و ظالمانه سرمایه داری جاودانه و ابدی نیست، نشان می دهند که سرمایه داری پایان تاریخ نیست. کارگران جهان در این روز بر همبستگی بین المللی صفوف شان، و بر مبارزه جهانی طبقه کارگر برای برانداختن نظام بردگی سرمایه داری تأکید می کنند. اول مه، روز کارگر فراخوانی است به صدها میلیون زن و مرد کارگر از هر ملیت و یا هر نژاد و رنگ پوست، تا در این روز در یک آکسیون مشترک، چرخ های تولید سرمایه داری را از حرکت باز دارند، اعتصابی جهانی بر پا کنند، و نیروی خود را با طرح عاجل ترین خواسته هایشان رودرروی طبقه سرمایه دار و دولت های حامی آن قرار دهند.

در ایران، روند رو به گسترش مبارزات کارگران طی بیش از یک دهه گذشته، دستاوردهای عظیمی برای طبقه کارگر در بر داشته است. نتایج محدود اقتصادی این مبارزات، در این واقعیت که این جنبش مطالباتی دستاوردها و پیامدهای اخلاقی و سیاسی با ارزشی برای طبقه کارگر در بر داشته است، تغییری نمی دهد. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آنها آموخته اند که تعرض سرمایه را با مبارزه متحدانه پاسخ دهند؛ به آنها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. بدون این مبارزه و بدون این جنبش مطالباتی، طبقه کارگر توده ای سرخورده و بی افق می بود. طبقه کارگر ایران در جریان بیش از یک دهه مبارزه فعال اقتصادی و صنفی که خصصتی سیاسی داشته است بیش از هر مقطع تاریخی دیگری هویت یابی طبقاتی خودش را به آحاد این طبقه اجتماعی بسط داده است. بدون روند رو به گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری طی یک دهه گذشته و بویژه در طی چند سال اخیر و تأثیرات آن بر فضای سیاسی جامعه،



## کارگران ایران و اول ماه مه!



## خجسته باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر



## شرایط جامعه، طبقه کارگر، آینده و ضرورتها!



## مروری کوتاه بر برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در کردستان

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱  
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹  
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند تلاش های نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی ایران و قدرت های بزرگ سرمایه داری برای به بیراهه بردن مبارزات مردم ایران و برای عقیم گذاشتن تحولات انقلابی در ایران را به شکست بکشاند. در شرایط کنونی دامن زدن به اعتراضات و اعتصابات جاری و جنبش مطالباتی کارگران و دخالت فعالانه در این مبارزات، تنها راه واقعینانه برای ارتقای آگاهی سوسیالیستی کارگران و بستر سازی و کمک به ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران است. فعالین سوسیالیست جنبش کارگری با حضور فعال و کاردانی خود در جریان پیشبرد این مبارزات است که می توانند توجه شمار هر چه بیشتری از فعالین پیشرو جنبش کارگری را به ضرورت تحزب یابی کمونیستی کارگران جلب نمایند.

رفقای کارگر! بگذارید با تحریم مراسم های فرمایشی و زرد دولتی، با انرژی و شور فراوان برای برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم و تجمع های مستقل کارگری در روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت تلاش کنیم. بگذارید با طرح مطالبات کارگران و تأکید بر مطالبات آزادی خواهانه، پیام اول ماه مه روز کارگر را هر چه رساتر به گوش مردم ایران برسانیم. بگذارید مراسم و تجمع های اول ماه مه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان رهایی بخش کارگران جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای رهایی تمام زحمتکشان و آزادی مردم ایران از شر و فساد جمهوری اسلامی و از یوغ سرمایه، افزون نماید!

حزب کمونیست ایران با ارج نهادن به مبارزات حق طلبانه و پر شور کارگران و قدردانی از همه فعالیت هایی که برای برگزاری مراسم و تجمع های روز جهانی کارگر در جریان هستند، اول ماه مه این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر را به همه کارگران تبریک می گوید.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران  
فروردین ۱۳۹۷  
آوریل ۲۰۱۸



خیزش سراسری دی ماه با این ابعاد خیره کننده اش اتفاق نمی افتاد. این جنبش اعتراضی و اعتصابی نشان می دهد که طبقه کارگر امید به تغییر و دگرگونی را از دست نداده است و همین زمینه های بسیار مناسبی را برای رشد و پیشروی جنبش سوسیالیستی این طبقه فراهم آورده است.

این دستاوردها و پیکار عظیم طبقاتی علیه سرمایه داران، به بهای فداکاری های کارگران صورت گرفته است. آنها بهای مبارزه برای کسب آزادی و برخورداری از یک زندگی بهتر را با اخراج های دسته جمعی، با تحمل ضربه های شلاق، روانه کردن فعالین و رهبرانشان به زندان و شکنجه گاه و سلول های مرگ پرداخته اند. اما به رغم این سرکوب گری ها نیرویی نیست که قادر به درهم شکستن مبارزات کارگران این دشمن داخلی حکومت اسلامی سرمایه داران باشد، چرا که طبقه سرمایه دار حاکم و حکومت اسلامی، تنها با نیروی کار کارگران زنده هستند. نیرویی نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکند.

روند رویدادها در ایران، بحران ها و تنگناهای چند جانبه ای که رژیم به آنها گرفتار آمده است و درماندگی در کنترل این بحران ها و ناتوانی در ایجاد بهبودی ولو جزئی در زندگی توده های محروم جامعه، بیداری هر چه گسترده تر توده های کارگر و گسترش مبارزات کارگری و توده ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. تداوم سیاست های نئولیبرالی از یکسو و از سوی دیگر برملا شدن پرونده اختلاس و دزدی های هزاران میلیارد تومانی و افشای جنایات هولناکی که سران این رژیم در حق مردم ایران انجام داده اند، همچنین تحمیل هزینه سنگین دخالت نظامی و حمایت از جریان های تروریستی در کانون های بحران خاورمیانه به مردم ایران، در حالی که بیش از ۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر بسر می برند با وضوح و روشنی بیشتری گنبدگی حکومت جنایتکار اسلامی را برملا ساخته است. این اوضاع بخش های مختلف طبقه کارگر را نسبت به مسائل و امور سیاسی حساس کرده است. این شرایط تکامل و ارتقاء سازمانیابی طبقه کارگر برای پیشبرد مبارزه متحدانه سراسری و به مراتب قاطعانه تری را می طلبد.

تنها طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است و می تواند رژیم گنبدیده جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را در راستای تأمین خواسته های کارگران و مردم ایران به زیر بکشد. تنها طبقه کارگرسازمان

هلمت احمدیان

## کارگران ایران و اول ماه مه!



که رژیم و دستگاه های سرکوبگرش، یا خود مستقما صاحبان کار و کارفرما هستند (سپاه پاسداران و ...) و یا کل نظامشان در خدمت و در دفاع از منافع طبقه سرمایه دار است. جدا کردن مبارزه صنفی از سیاسی و کشیدن "دیوار چین" بین این دو عرصه، بویژه در جامعه ایران، یک گرایش تردیونستی و لیبرالی صرف است که نمی خواهد کارگران پای از مبارزه برحقشان برای خواسته های صنفی فراتر بگذارند. این گرایش علیرغم ادعاهایش در پاسداری از حقوق کارگران، در عمل به سود رژیم و سرمایه داران است.

### "نان" و "آزادی" های سیاسی و اجتماعی

یکی از شعارهای برجسته خیزش وسیع و سراسری دی ماه، شعار "نان و آزادی" بود. این شعار ضمن اینکه به حق تشخیص درست گردانندگان و پیشروان خیزش های اخیر بود، نشان از لزوم پر رنگ تر کردن یک ضرورت هم داشته و دارد. مسئله از این قرار است که برای کارگرانی که نان شب برای فرزندان و خانواده هایشان ندارند و چند مرتبه زیر خط فقر زندگی می کنند، برای کارگرانی که چند ماه حقوقشان پرداخت نشده است و ... مسئله نان اولویت اصلی است و این کاملا قابل درک است که سمت و سوی اصلی مبارزات کارگران اقتصادی باشد. اما طرف دیگر هم مسئله از این قرار است که به این امر توجه شود که، چه کسی نان کارگران را قرق کرده و عامل سفره خالی آنهاست، عامل فقر و بیکاری و هزار و یک درد و آسیب اجتماعی کارگران و اقشار محروم جامعه کی ها هستند؟ طرف حساب کارگران کسانی هستند که با سلب همه آزادی های سیاسی و اجتماعی، سلب حقوق ابتدایی انسان ها، ایجاد شکاف و تبعیض به بهانه های جنسیتی، مذهبی، ملی و ... توانسته اند، نان را هم از کارگران سلب کنند. از این روی نان و معیشتی بهتر را، بدون مبارزه ای همه جانبه برای آزادی های اجتماعی یا نمی توان بدست آورد، یا اگر هم توفیقی حاصل شد ضمانت ماندگاری ندارد و پس گرفتی است. با توجه به این ضرورت ساده،

و برآمده های جنبش های توده ای بتواند مهر طبقاتی خود را بر روند تحولات سیاسی بکوبد. هنوز این طبقه و رهبران و پیشروانش از ایفای نقش هژمونیک خود بر روند اوضاع فاصله دارند. از این روی و از آنجا که به این امر اذعان هست که آنچه در دی ماه روی داد، یک پدیده ناگهانی نبود و ریشه در نابسامانی ها و بحران عمیق سیاسی و اقتصادی در جامعه داشت و تردیدی نیست در آینده این خیزش در اشکال دیگر و به بهانه های مختلف دوباره سر بر آورده و فوران خواهد کرد، سؤال اصلی فراروی فعالین جنبش کارگری و کمونیست ها این است که برای این آمادگی سازی و ایفای نقش در آینده چه باید کرد؟ مبارزترین و پیگیرترین بخش جامعه یعنی کارگران به چه سازه ها و ملزوماتی نیاز دارند و ضمانت اینکه دوباره بسان تجربه قیام ۵۷ و ... "سرشان بی کلاه نماند"، چیست؟

### مبارزه صنفی، مبارزه سیاسی

گفته می شود غالب مبارزات کارگری در ایران مبارزاتی صنفی و اقتصادی است. این کاملا درست است، اما این هم، حقیقتی غیرقابل انکار است که هیچ مبارزه ای در جامعه ای مانند ایران، که یک نظام سرکوبگر و دیکتاتوریت محض در آن حاکم است نمی تواند سیاسی نشود. "نان" و "آزادی" را در ایران نمی توان با هیچ توجیهی از هم جدا کرد. کارگرانی که برای دریافت حقوق معوقه شان مبارزه می کنند و با سرکوب و زندان و اخراج روبرو می شوند، نمی توانند سیاسی نشوند. این خود سیستم حاکم است که با روش و متدهای ضد کارگری و ضد مردمی و سرکوبگرانه اش هر نوع نافرمانی و حتی هر نوع مطالبه ای را به سمت تعارض سیاسی با خود می کشاند و ناگزیر از این کار هم هست. رژیم و نیروهای سرکوبگرش نیک می دانند که اگر "گربه را دم حجله نکشند"، این گربه "برایشان شیر می شود".

از این روی وقتی دشمن "به درستی" خواسته های کارگران برای نان و معیشتشان را ضدیدت با دم و دستگاه سرمایه دارانه خود می بینند، چه دلیلی وجود دارد کارگران مبارزات صنفی خود را سیاسی نبینند. چه دلیلی وجود دارد که کارگران این واقعیت را واضح تر نبینند

آسیون اول ماه مه، مارشی جهانی است، ولی در عین حال کارگران در هر بخش کره خاکی با مسائل ویژه خود نیز درگیرند و گرامیداشت روزشان معنای خاص تری پیدا می کند. از این روی و برای اینکه بتوان اثرات جهان وطنی طبقه را در پرتو انترناسیونالیسم کارگری تقویت کرد، باید در بعد مشخص تر به صورت کنکرت، پی مهمترین نکات در سطح محلی هم رفت، تا بهتر فرصت ها و موانع را دید. تمرکز این سطور بصورت اجمالی و تیتروار روی چند نکته است که خاص تر به طبقه کارگر در ایران معطوف است.

مبارزه کارگران برای احقاق حقوقشان در ایران امری روزمره است و آمار و گزارشات گواه دارد که جنبش کارگری زنده ترین و پرمادنه ترین جنبش اجتماعی در ایران است. با این حال، این جنبش علیرغم وسعت مبارزه ای که دارد، علیرغم نیرو و توان بالقوه ای که دارد، در تحولات سیاسی جامعه و در بزنگاه های مهم اجتماعی توان بهره گیری تام و تمام از تغییرات به نفع منافع طبقاتی اش، را در مقابل طبقات دیگر ندارد.

لذا سؤال این است که مشکلات و ضعف ها کدام ها هستند که طبقه کارگر علیرغم توان و ظرفیت بالایش و علیرغم نقش کلیدیش، باز به حاشیه رانده می شود و دستاوردهای مبارزاتی اش پس گرفته می شود؟ ضمانت به قدرت رسیدن طبقه کارگر در تحولات سیاسی آتی که اکنون بیش از هر زمان دیگری چشم انداز روش تری دارد، کدام ها هستند؟

### خیزش دی ماه و کارگران

خیزش سراسری دی ماه و "ده روزی که ایران را لرزاند"، با وجود اینکه نویددهنده سرنوینی انقلابی جمهوری اسلامی و آینده ای روشن برای محرومان جامعه ایران بود، اما به مانند یک آزمون تاریخی، در عین حال نشانگر ناامادگی و کمبودهای جنبش کارگری نیز بود. این جنبش اگر چه با مبارزات روزانه و همیشگی اش یاری رسان این خیزش بود، اما نتوانست از این موقعیت بهره ببرد و با اعتصابات خود یاری رسان تداوم این خیزش باشد. به عبارت دیگر مشخص تر شد که هنوز جنبش کارگری در موقعیتی نیست که در تندپیچ های تاریخی



مبارزه برای  
آزادی های  
سیاسی و  
اجتماعی، مبارزه  
برای برچیدن ستم  
های جنسیتی، ملی،  
مذهبی و ... نمی تواند  
موضوع کار طبقه  
کارگر و پیشروان این  
طبقه نباشد. فراتر، از



دستاوردهایش است.  
جنبش کارگری نمی تواند  
تنها با اتکا به سندیکاها و  
اتحادیه ها و تشکل های  
توده ای اش، به سوی  
قدرت سیاسی که تضمین  
کننده استقرار یک جامعه  
سوسیالیستی است  
حرکت کند و برای این  
مهم به ستاد رهبری اش

یعنی حزب طبقاتی اش نیاز دارد.  
گرایشاتی که تشکل های کارگری را ظاهرا به  
بهانه عدم کارآیی و ناتوانی این یا آن حزب  
موجود "مستقل از احزاب" تعریف می کنند،  
خواسته یا نخواستار کارگران را از ایده تحزب  
یابی اش دور کرده و آسیب پذیری جنبش  
کارگری را در مقابل گرایشات رفرمیستی بیشتر  
خواهند کرد.

\*\*\*

طبقه کارگر ایران در شرایطی اول ماه مه امسال  
را گرمی می دارد، که از یک سو در بدترین  
شرایط زندگی و بی امکاناتی قرار دارد و از  
طرف دیگر کارنامه ای درخشان از ستیز و  
مبارزه برای احقاق حقوقش را با خود دارد.  
این کارنامه درخشان و توازن قوای مناسب تری  
که در جامعه بعد از خیزش دی ماه بوجود آمده  
است بستر مناسبی برای تلاش جهت فایق  
آمدن بر کمبودها و ضعف ها و راهبری جنبش  
کارگری در تحولات آتی است.  
کارگران ایران اول ماه امسال را با شعارهای  
مطالباتی شان، با صدور قطعنامه های مشترک، با  
خواست آزادی کارگران در بند و همه زندانیان  
سیاسی، با امید برای تلاش بیشتر جهت اتحاد و  
همبستگی و تشکل های توده ای پیش می روند.  
گرمی باید این رزم نستوه و نجات بخش!

\*\*\*

مسائل و معضلات سر راه زندگی و معیشت و  
مبارزه طبقه کارگر معمولا در آستانه آکسیون  
جهانی اول ماه مه برجسته تر و زیر ذره بین  
قرار می گیرد. این اگر چه امری  
مثبت است و باید نهایت استفاده  
را از توجهاتی که جامعه به این  
مناسبت به طبقه کارگر می کند  
برد، ولی باید کوشید این توجه  
را آنگونه نهادینه کرد که در طول  
سال هم امر رهایی کارگر از ستم  
و استثمار سرمایه داری مشغله  
همیشگی کمونیست ها و فعالین  
جنبش کارگری باشد.



مانعی جدی بر سر راه پیشروی در این عرصه  
بوده است، اما در توازن قوایی که بعد از  
رویدادهای دی ماه در جامعه بوجود آمده است  
و بر بستر اعتراضات گسترده و روزانه ای که  
کارگران به اشکال مختلف در برابر کارفرمایان  
و صاحبان کار و حامیان شان پیش می برند،  
بیش از همیشه زمینه رشد و گسترش تشکل  
های توده ای کارگری بوجود آمده است. به  
هر میزان پیشروان و رهبران جنبش کارگری  
بتوانند در این عرصه توده های وسیع تری  
از کارگران را در محل کار به فعالیت دسته  
جمعی و متشکل مجاب سازند، به همان اندازه  
ظرفیت های سرکوبگری دستگاه های امنیتی و  
پلیسی رژیم کمتر خواهد شد و به همان اندازه  
کارگران در موقعیت مناسب تری برای پیگیری  
خواسته ها و مطالباتشان قرار خواهند گرفت.

## کارگران و حزیت

تلاش برای ایجاد تشکل های توده ای کارگری،  
از تلاش سازمان یافته تر و حزبی پیشروان طبقه  
کارگر نه تنها جدا نیست، بلکه لازم و ملزوم  
همدیگرند. تجارب تاریخی زیادی هم در  
ایران و هم در دیگر کشورها نشان داده است  
که جنبش کارگری حتی متکی بر سازمان های  
گسترده و پرنفوذ توده ای، اگر با ایده و تلاش  
برای تحزب یابی کارگری عجزین نگردد، سر  
طبقه کارگر در نهایت "بی کلاه خواهد ماند".  
حزب کارگری ستاد رهبری طبقه کارگر است  
و این تنها ابزار ضمانت به سرانجام رساندن  
انقلاب به رهبری طبقه کارگر و به بار نشستن  
تلاش ها و مبارزات این طبقه و پاسداری از

## تشکل های توده ای کارگران

در عمل ثابت شده است که کارگران نه  
به صورت آحاد پراکنده، بلکه در اتحاد و  
همبستگی با همدیگر است که می توانند مانند  
یک طبقه اجتماعی که اکثریت جامعه را تشکیل  
می دهد، در فعل و انفعالات اجتماعی به نفع  
خود عمل کنند. کارگران بدون تشکل های  
توده ای خود نمی توانند در این موقعیت قرار  
گیرند. تلاش های ارزنده ای که در سال های  
اخیر در میان پیشروان جنبش کارگری و در  
قامت دهها نهاد، سندیکا و کمیته های کارگری  
شکل گرفته تا حد زیادی نشان از درک و  
عملی کردن این ضرورت دارد. اما بطور واقعی  
این تشکل ها غالبا تشکل های پیشروان جنبش

کارگری هستند و به تشکل های  
توده ای و فراگیر کارگران در محل  
کار و زیست شان تبدیل یا متکی  
نشده اند.

از این روی امر تشکل یابی کارگران،  
یکی از کمبودها و نیازهای عاجل  
جنبش کارگری ایران است. در  
این امر تردیدی نیست که سیاست  
های سرکوبگرانه رژیم، بیکاری  
و مشکلات عدیده اقتصادی و ...



فرشید شکری

## خجسته باد اول ماه مه. روز جهانی کارگر

به حبس ابد تخفیف داد، و نفر هشتم هم به پانزده سال حبس محکوم شد. با پخش خبر یورش سبانه ی پلیس شیکاگو به معترضین، و آنگاه خبر اعدام آن کارگران پیشرو، در اکثر کشورهای جهان مراسم هایی در گرامیداشت یاد جانباختگان این رخداد برگزار و مرتباً این مراسم ها تکرار گردیدند. از آن تاریخ به بعد تدریجاً روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر شناخته شد.

### روز جهانی کارگر در سال ۱۳۹۷

کارگران جهان تحت شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می روند که تبعات و آثار مخرب بحران و آشفتگی اقتصاد کاپیتالیستی پس از گذشت چند سال از آغاز آن هنوز از میان نرفته است. مضاف بر این، تداوم اجرای سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی و ریاضت کشی، کاهش خدمات اجتماعی، و بلاخره دست کاری و تغییر در قوانین کار بنفع کارفرمایان، زندگی و حیات توده های کارگر و مزدبگیر در جوامع پیشرفته و پیرامونی سرمایه داری را با مشکلات و معضلات عدیده ای مواجه کرده اند. با این وصف در طی این سال ها، مبارزات کارگران در نقاط مختلف جهان علیه سیاست های ضد کارگری و طرح های اقتصادی سرمایه داران و دولت هایشان، در جریان بوده اند.

امسال طبقه ی کارگر ایران هم در موقعیتی به پیشواز این روز خواهد رفت که از سوی رژیم بورژوا - اسلامی همچنان با بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لاینحلی دست به گریبان است و کشمکش میان جناح های مختلف حاکمیت که هر یک دارای استراتژی های متفاوت جهت نجات وجه تولید سرمایه داری، و حفظ و تحکیم پایه های نظام اقتصادی - سیاسی حاکم هستند، ادامه دارد. از طرف دیگر طبقه ی کارگر ایران همانند سال های قبل در وضعیت بسیار نامناسبی به سر می برد. دستمزدهای چندین مرتبه زیر خط فقر، به تعویق انداختن همین دستمزدها، تعدیل نیرو و اخراج های وسیع، بیکاری روزافزون، تداوم فعالیت شرکت های پیمانکاری، قراردادهای موقت و سفید امضاء، روند کاهش تعهدات قانونی سازمان تأمین اجتماعی،

روز ماه مه ۱۸۸۶، ساعات کار در این کشور را به هشت ساعت در روز کاهش دهند، ولی چنین نکردند و در نتیجه کارگران در اعتراض به وعده های عملی نشده ی نمایندگان بورژوازی، در سراسر ایالات متحده ی آمریکا دست به اعتصاب زدند. آن اعتصاب عظیم و سراسری در یک هزار و دویست کارخانه و کارگاه براه افتاد و حدود نود هزار کارگر شیکاگویی در آن شرکت کردند.

گزارشات مربوط به آن رخداد می گویند: « وقتی کارگران شیکاگو و توده های حمایت کننده از محل تجمع خود به سمت نقاط دیگر شهر راهی شدند، مأموران پلیس در مقابل ایشان



ظاهر گردیدند. آنها از تجمع کنندگان خواستند که متفرق شوند و به خانه هایشان برگردند که در این اثنا انفجاری صورت گرفت. آن انفجار به کشته شدن یک مأمور پلیس و زخمی شدن چند نفر انجامید. این انفجار باعث شد تا پلیس به سوی اعتصابیون و مردم عادی تیراندازی کند. آمار دقیق کشته شدگان اعلام نشده، ولی اسامی انبوه مجروحان را دریافت کرده ایم.»

در آن هنگام مأموران پلیس با اعمال خشونت و وحشیگری جمعیت عظیم معترضین را پراکنده کردند. در رویداد چهارم مه ۱۸۸۶ هشت نفر بعنوان سازمان دهندگان اصلی اعتصاب و اعتراضات شیکاگو دستگیر شدند. پنج نفر از دستگیر شدگان کارگران مهاجر آلمانی تبار، و یکی هم آلمانی تبعه ی آمریکا بود. هفت نفر از این مبارزان راه رهایی طبقه ی کارگر به اتهام کمونیست بودن حکم اعدام گرفتند که چهار تن از آنان بدار آویخته شدند و یکی هم پیش از اجرای حکم خودکشی کرد. فرماندار ایالت حکم دو نفر از محکومین به اعدام را

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، نزدیک است. در این روز کارگران همه ی کشورها با برپایی مارش عظیم خود، همبستگی و اتحاد طبقاتی ایشان را در مقابل سرمایه داران و دولت هایشان به نمایش می گذارند. روز جهانی کارگر که جلوه ای پرشکوه از انترناسیونالیسم پرولتری است، روز بیان نفرت از بی حقوقی های موجود، روز بیان بیزاری از جنگ و کشتار و آوارگی، ترور و نا امنی، راسیسم و نژادپرستی، و روز صدور کیفرخواست توده های تحت استثمار علیه بربریت نظام سرمایه داری است. در اول مه، کارگران جهان اعلام می دارند: «ما برای دنیایی آزاد و برابر، دنیایی عاری از هر گونه

ستم و استثمار، دنیایی بدون فقر و گرسنگی، و دنیایی مملو از رفاه و آسایش مبارزه می کنیم.» شرکت وسیع زنان و مردان کارگر، فعالین رادیکال و ریشه بین کارگری، جریانات کمونیست، و چالشگران چپ جنبش های اجتماعی در آکسیون ها و راهپیمایی های روز جهانی کارگر، حاوی این پیغام برای سرمایه داران نیز

هست: « شما طبقه ی حاکم برای همیشه نمی توانید با اعمال زور و سرکوب، و با بهره گیری از امکانات گوناگون بر جهان تسلط داشته باشید زیرا زمانی فرا خواهد رسید که این دنیای وارونه و این جهان کهنه را با تکیه بر نیروی خود، و نبردهای بی امان تغییر خواهیم داد.»

### نگاهی گذرا به تاریخچه ی روز جهانی کارگر

در چهارم ماه مه سال ۱۸۸۶ میلادی یعنی در چهارمین روز اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران آمریکایی و مهاجر در شهر شیکاگو که خواستار تعدیل و کاهش ساعات کار از ده ساعت به هشت ساعت شده بودند، پلیس سرکوبگر آمریکا به روی کارگران معترض آتش گشود. در این واقعه ی ناگوار شماری جانباختند و تعداد زیادی به شدت مجروح شدند. بر پایه ی اسناد موجود، قانون گذاران ایالات متحده قول داده بودند که در نخستین



میان توده های کارگر غایب است، حضور حزب برای انقلاب و جنبش و ضرورتی غیر قابل انکار دارد. توده ایی شدن حزب نیز در میان پرولتاریا در اصل نزدیک شدن به انقلاب، و یا خود انقلاب است. هر زمان تئوری رادیکال در میان کارگران تعمیق یابد، و هر زمان حزب خود آن طبقه ایی میشود که بسوی انقلاب حرکت می کند، در آن موقع به تعیین تکلیف نهایی با بورژوازی، و مناسبات و دولت اش خواهد پرداخت. بدون حزب، سیاست رهایی بخش به جلو نمیروند و اجراء نمی شود.

تحزب کمونیستی همچون سایر اشکال سازمان یابی روی واقعیت وجودی زندگی و پیکار طبقه ی کارگر بنا شده است. تحزب کمونیستی، در تقابل با احزاب بورژوایی و خرده بورژوایی قرار دارد. تحزب کمونیستی تحزبی است که متحدینش را در میان احزاب کارگری دیگر جستجو میکند، و نه در بین دشمنان طبقاتی کارگران. حزب کمونیست کارگران میباید به رهبران، فعالین و توده های کارگر ثابت کند

قراردادهای موقت و سفید امضاء، پرداخت بی کم و کاست بیمه های اجتماعی، آموزش رایگان، ممنوعیت کار کودک، آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی، و نیز پشتیبانی از مبارزات توده های فرودست جامعه و خواسته های اقتصادی و سیاسی آنان، تأکید و اصرار شود.

اول ماه مه امسال با عنایت به اوضاع کنونی می تواند نقطه ی آغاز دامن زدن بیش از پیش به جنبش مطالباتی کارگران، و رو در رویی تمام عیار با نظام اقتصادی - سیاسی حاکم تا مادیت یافتن انقلاب کارگری و برچیدن نظام سرمایه داری باشد. ولی بایستی متذکر شد که این اهداف مهم بدون تلاش برای تحزب یابی کمونیستی کارگران در مقیاسی وسیع دست یافتنی نیستند.

### مراسم های مستقل اول ماه مه فرصتی جهت بیان اهمیت تحزب یابی کمونیستی کارگران

از نظر مارکسیست ها مبارزه ی طبقاتی موتور تاریخ است، و رهایی طبقه ی کارگر باید بدست خود طبقه صورت پذیرد. تحقق این رهایی، و آنگاه حرکت طبقه به سمت تغییرات ریشه ایی و بنیادین، به متشکل شدن توده های کارگر در حزب کمونیست که ستاد رهبری کننده ی مبارزات ضد سرمایه داری ایشان است

کاهش خدمات و بیمه های اجتماعی، محرومیت بخش های وسیعی از کارگران و خانواده هایشان از بهداشت و درمان، حوادث محل های کار، سرکوب و بگیر و بنبد کارگران معترض و فعالین و رهبران کارگری، و اعمال سایر بی حقوقی ها، طبقه ی کارگر ایران را کاملاً در تنگنا قرار داده اند. این وضعیت اسفبار موجب آسیب های اجتماعی متعددی از جمله کودکان کار و خیابان، اعتیاد به مواد مخدر، تن فروشی و... برای خانواده های کارگری شده است.

با این وصف، در بطن چنین اوضاع و احوالی، مضاف بر برآمد اعتراضی سرتاسری بخش های وسیعی از طبقه ی کارگر (بیکاران، تهیدستان، حاشیه نشینان، و...) در دیماه ۱۳۹۶ خورشیدی که پشت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را به لرزه افکند، شاهد گسترش و تعمیق اعتصابات و اعتراضات کارگری در اغلب مراکز تولیدی و خدماتی، و یا راه بندان ها و تجمعات زیادی در سال جاری، و سال های اخیر بوده ایم. این اعتصابات و اعتراضات کارگری پر شمار گواه بر این واقعیت است که کارگران آگاه و پیشرو توانسته اند ارتباط های معینی با یکدیگر برقرار سازند، و تشکل هایی مانند کمیته های اعتصاب را ایجاد کنند. در کنار این، نکته ی مهم دیگر در تبیین موقعیت مبارزات کارگری در ایندوره، بالا رفتن روحیه ی همگرایی، اتحاد و همکاری در میان فعالین و پیشروان کارگری و تشکل های مستقل موجود است. بی تردید، استمرار مبارزات جاری، می تواند هرچه بیشتر زمینه و بستر اتحاد طبقاتی علیه جبهه ی سرمایه را فراهم آورد.

### مراسم های امسال و مطالبات کارگری

با نزدیک شدن به روز جهانی کارگر، شایسته است تا کارگران کمونیست و پیشروان رادیکال جنبش کارگری ایران با در نظر داشتن نیرو و ظرفیت، و جایگاه و نقش خود، گردهمایی ها و تجمعات گسترده ایی را در اول ماه مه برپا دارند و اجازه ندهند نهادهای دست ساز و ضد کارگری رژیم بورژوا-اسلامی (شوراهای اسلامی کار و خانه ی کارگر) کارگران را به شرکت در مراسمات دولتی ترغیب نمایند. ضروریست کارگران کمونیست و فعالین ریشه بین جنبش کارگری در اول ماه مه، همانند چند سال گذشته، روی مطالباتی از قبیل افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی مرفه و درخور شأن انسان، حق ایجاد تشکل های مستقل و سراسری، توقف اخراج و بیکارسازی ها، لغو



که تحزب یافتگی قادر است راه پیروزی را در مقابل طبقه ی کارگر بگشاید. حزب کمونیست کارگران باید حزبی باشد که بتواند برانگیزاند، تهییج کند، بشوراند، متحد سازد، سازمان دهد، و پیروزی نهائی را ممکن گرداند. قدر به یقین، ضرورت و نیاز به حزب کمونیست و تحزب یابی کمونیستی به سان آگاهی که در متن جدال و کشمکش با سرمایه داران و کارفرمایان کسب می گردد، از نیازهای واقعی و ایزکتیو مبارزه ی طبقاتی است. بنا به آنچه رفت، جا دارد در سخنرانی های مربوط به روز جهانی کارگر - به هر شیوه ی ممکن و با توسل به هر زبان و ادبیاتی - لزوم تحزب یابی کمونیستی برای کارگران تشریح شود.

زنده باد روز جهانی کارگر

زنده باد کمونیسم

آوریل ۲۰۱۴



بستگی دارد. حزب کمونیست برای پرولتاریا بعنوان سوژه ی تغییر دهنده و عامل گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، و سپس به جامعه ایی بدون طبقه یا همان کمونیسم، ظرفی بسیار با اهمیت در مبارزه ی طبقاتی است. پرولتاریا که تنها نیروی زیر و رو ساختن وضع مستقر می باشند، به تحزب کمونیستی نیازمندند زیرا حزب راه گشای اندیشه ی پرولتری در راستای پراکسیس (عمل) است. پراتیک و عملی مبتنی بر تئوری انقلابی. حزب، مغز و هسته ی آگاهی کمونیستی پرولتاریاست. حزب، عقل و خرد پرولتاریا جهت غلبه بر دوگانگی و رهایی از وضعیت کنونی اش می باشد. به دیگر سخن، حزب نهاد و تشکیلات طبقه ی کارگر، و نقطه ی اوج آگاهی طبقه ی کارگری است که در آن سازمان می یابد. قدر مسلم، آن هنگام که سیاست رادیکال در

عباس منصوران

## شرایط جامعه، طبقه کارگر، آینده و ضرورت‌ها

ایران بر چهره زنان، از منبر نمازهای جمعه بر گرده های ستمبران، و فرمانبران، با شلاق‌ها و دشنه های اوباشان مسلح بسیج، فتوا داده می شود، در زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌ها و خانه های امن حکومت، به فتوا، تجاوز می کنند. تجاوز مقدس، به صیغه و فروش تن و جان به «مُتَّعَه» یا اجرت در برابر تسلیم اسلامی زنان بی پناه و نان آوران خانه، برای کامجویی شرعی مردان فرادست و بهره کش و یا کسانی که توانایی پرداختی به هر گونه را دارند، مشروعیت یافته و نهادیه شده است. بهره کشی از هر نوع و به هر شدت، در خانه و کارگاه و کارخانه، در تولید و بخش های دیگر به سود سرمایه با آیه های قرآنی و حدیث جاری است. در ایران، در آنجا که سرمایه با استبداد اسلامی در هم آمیخته، ماهیت و چهره ی ضد انسانی زیربنا و روبنای طبقاتی، بیش از همه ی تاریخ و دیگر سرزمین های در اشغال سرمایه، خود افشاگر خویش است. در اقتصاد کمپرادوریسیم و دلالی - رانتی در ایران به ویژه با سلطه ی سرمایه مالی و نولیبرالیسم، بخش خدمات و دلالی، پرسودترین بخش اقتصادی و مالی مناسبات سرمایه داری می شود. خدمات در برگیرنده ی آب و برق، تلفن و رسانه های اینترنتی و تجارت و بازرگانی و بهداشت، بیمه و بانک، تلویزیون و سینما و سرگرمی و گردشگری و حمل و نقل می باشد. بخش خدمات، در خدمت تولید صنعتی و در حوزه گردش سرمایه در جلوه های مختلف، نقش حیاتی در تحقق سود دارد که در ایران با تعطیلی و ورشکستگی تولیدات صنعتی و کشاورزی داخلی، دلال و کارگزار تجاری چین و روسیه سرمایه داری و دیگر تولید کنندگان جهانی می شود.

در جنگ ۸ ساله با عراق، با ورود سپاه و وزارت اطلاعات به حوزه اقتصاد، اقتصاد سپاهی حاکم می شود. مصادره نهادینه از آغاز تا اکنون، و خلع ید از کم جانترین تولید کنندگان خانوادگی، طبیعت و حتی رقبای باندهای خودی و رقیب بنا به قانون جنگل. واگذاری سهام شرکت‌ها و واحدهای خدماتی، عمومی، تولیدی و اقتصادی و اموال عمومی به سپاه زیر نام «خصوصی سازی»، یا همان باندهای درون و پیرامون حاکمیت. سرداران سپاه اسلام، بازنشسته و معیوب و در

چشم از جهان بر هم نهاد، در عصر انقلاب کواکمی و کشف و ساخت ذره ی هستی که همه گیتی را آفرید، جهان وخیم تر و خواری آورتر از تمامی درازای تاریخ بشر، بر لبه ی پرتگاه به سوی نیستی کشانیده شده است. درحالی که بشر سده ۲۱، زیر چرخ دنده های سرمایه، خرد و خمیر می شود که سفینه ها با سرعتی دو دقیقه تا ماه، به سوی کشف و اشغال سیاره ها می شتابند، جهان طبقاتی با شتاب در گرداب جنایت سرمایه داران در هم کلافیده شده است. مناسبات سرمایه داری و حاکمیت روند نولیبرالیسم سرمایه، هستی و زیست و بوم زمین را به نابودی افکنده است. سرمایه به سودای سود و انباشت و مهار بحران ساختاری، انگشت شمارانی را بر سرنوشت ۹۹ درصد مردم جهان فرمانروا ساخته است. در سال ۲۰۱۷ میزان دارایی ۸ نفر ابرسرمایه داران دنیا، به بهای مرگ و میر و گرسنگی میلیون ها نفر، در پناه جنگ و جنایت، بیش از کل دارایی نصف مردم جهان، یعنی بیش از دارایی سه میلیارد و ششصد میلیون نفر گزارش شده است. در حالیکه سال ۲۰۱۶ دارایی ۶۲ نفر از بزرگترین سرمایه داران جهان بیش از دارایی نیمی از مردم جهان بود. هیچگاه کودکان زمین اینگونه زیر داس مرگ با بمب های شیمیایی و گرسنگی و بیماری، ربایش، تجاوز، پورنوگرافی، خرید و فروش برای تجاوز و کامجویی جنسی، سلاخی برای فروش اعضا بدن، بردگی کودکان، کودکان کار و رگبار مرگ از بی نانی و بی پناهی و رنجوری از گرسنگی روبرو نبوده اند. زنان ستمبر زمین، منهای زنان فرمانروایان و کارگزاران، هرگز این چنین زیر ستم و برده و خوار، کالایی و سودآور نبوده اند. جهان اینگونه سنگدل هرگز نبوده است. با حاکمیت کالایی و محکوم به کالاشدگی آدمی برای مبادله و سرمایه افزایی، امروزه جهانی بی حس و بی عاطفه، جهانی بیزار و بیگانه و وارونه با هستی در جهان محکومان، حاکم گردانیده تا همچنان سرمایه داران حکمروا و کامروا باشند و برای میلیاردها نفر، فلاکت بیافرینند.

### ایران در دهکده جهانی سرمایه

در ایران اسلامی سرمایه، دین در خدمت مناسبات طبقاتی، شلاقی شده تا بر سر و روی زنان، آیات الهی را دیکته کند. اسید پاشی در

با نگاهی به سیاهه ی سرمایه، در آستانه ماه می سال ۲۰۱۸/۱۳۹۷ جهان طبقاتی، غیرانسانی ترین جهان را به نمایش می گذارد. در ایران، به سان گوشه ای از دهکده جهانی، نه در دوران برده داری و عصر روم باستان، نه در هجوم سعد وقاص و جانشینان محمد، با فرمان اشغال و غارت و فدیة و جزیه، و یا نه با تازش چنگیز و تیمور و شاه اسماعیل و سلسه صفوی و قاجار و نه هیتلر به سر می بریم. با پی گیری تاریخ مبارزه طبقاتی از سال ۱۷۸۹ نزدیک به ۲۵۰ سال پس از نخستین انقلاب بورژوازی که با وعده «برادری، برابری و آزادی» علیه نظام فئودالی بر دوش توده های کار و رنج به قدرت رسید، بورژوازی جنگ، نابرابری، اسارت، فلاکت و تباهی در جهان جاری کرده است. فرمانروایان مناسبات طبقاتی نوین، با این پیروزی و سلطه در سده ۱۸، بازدارندگان پیشرفت نیروهای مولده و زندگی شدند. از همین روی هیچ گزینه ای جز دگرگونی مناسباتی که به آشکارا ارتجاعی و به محکومیت تاریخی روبرو گردیده، نمانده است. سرمایه در این برهه، برای ماندگاری حاکمیت فوق استبدادی خویش، اینک، برای بازدارنگی فرگشت (تکامل) تاریخی نیروهای مولده، از هیچ جنایتی فروگذار نیست. این حاکمیت ضد انسانی باید با انقلاب پی گیر، یعنی قانون نفی در نفی دیالکتیک تاریخی، به ریل برابری، رهایی و زندگی انسانی، سازمان یابد.

### جهان سرمایه داری

بورژوازی به سان نیروی تثبیت گرا، با سلاح های هنوز سرّی و ویرانگر و مخوف تر از بمب های اتمی و هسته ای و شیمیایی انبار ساخته در زمین و فضا، زمینی زیر و رو شده با زیست و بومی رو به نابودی روی دست بشر گذارده است. سرمایه داری گرفتار در بحران، بقاء سلطه ی خویش را به هر هزینه ای جاری می سازد. سرمایه نولیبرال با دست های باز و خونین، بازار آزاد اشغال و چپاول را در سراسر جهان در بی نظمی، تسخیر کرده، و برای مهار بحران سرمایه، در هزاره سوم حتی با خود زنی، به تصرف جهان چنگ افکنده تا سود و سروری خود را نجات بخشد. اینک، در واپسین روزهایی که دانشمندان سده ۲۱، پرفسور هاوکینگ، که تئوری علمی پیدایش گیتی را به روزترین آورد و همین ماه پیش

بزرگترین مجتمع نیشکر و شکر-هفت تپه و... به نابودی کشانیده شده اند. حاکمیت اسلامی سرمایه، جهان را به شدت و بیش از همیشه به ورطه نابودی افکنده، منطقه را ویران ساخته، و خواری آورترین شرایط را به کارگران و تهی دستان، تحمیل کرده است. دلان دون و انگل ترین موجودات، این عقب مانده ترین «زامبی های» داعشی، هولناک به حاکمیت نشسته و کشنده ترین قارچ های سمی، تمامی آسیب های تاریخ را جاری ساخته اند. این طبقه، جنایت کارترین جانینان را به نام حکومت و دولت، با اسلام در هم آمیخته تا حافظ مناسباتی باشند که با رانت، و سهمی از دلالی و کارگزاری، به کمک تبه کارترین ایدئولوژی های طبقاتی، به اجرا در آورند و جنگ نیابتی را به سود سرمایه جهانی به رهبری دوبلوک روس و آمریکا در رقابت، کارگزار باشند. اگر روزی، قیصر برای دستمالی قیصریه را به آتش می کشید، اینان جهان را به آتش کشیده اند. به اعمال اسد و رهبری و طبقه اش و حکومت اسلامی ایران و اردوغانی در ترکیه و روسیه پوتینی و مافیا و الیگارشی حاکم، بنگریم؛ به قربانیان کوبانی و عفرین، به کودکان ریه انباشته شده از گاز سمی سارین تولید روس و ایران در سوریه بنگریم و به افغانستان همیشه در افغان از ستم و بیداد و مذهب مهاجم بنگریم! با چنین منظره ای هولناک و غمبار دهکده جهانی، به ایران بازگردیم:

### شرایط

با یک «لانگ شات» یا نمایی از دور و همه گیر به زبان فرهنگ اهل سینما، از جامعه ایران، تصویر بالا را در برابر چشم می بینیم. با نمای نزدیک از درون این ازدحام متراکم، فریاد برای نان، سرپناه، آب، و آزادی، در برابر بیداد و ستم، آسمان ایران را انباشته است. دستمزدهای پرداخت نشده، به ماه ها و سال ها، بیکار سازی ها، ویرانی تولید و بخش خدمات و آموزش و بهداشت و درمان و فروپاشی کانون های خانواده، رواج اعتیاد به دو هدف سود و سیاست، تا جامعه زمین گیر شود، به مرگ و میرهای سرطانی و سخته ها، به فروپاشی ارزش های انسانی، به روتین شدن تن و جان فروشی دختران و زنان در سراسر ایران و روسپی خانه های ترکیه و گرجستان و پاکستان و امیرنشین ها، به صیغه خانه های مشهد و قم و ... بنگریم، به نمای نزدیکتر بنگریم:

- شمار نیروی از ده ساله به بالا که بنا به تعریف، «نیروی برای شغل» نامیده می شود افزون بر ۶۰ میلیون نفر گزارش شده،

- مازادی افزون بر ۴۰ میلیون بیکار به لشکر بیکاران پیوسته بدون هیچ امید و



هستند را این گونه سرقت می کنند.» و فاش می شود که «فقط در یک قلم ۵۰۰ میلیارد تومان از صرافی بانک دی اختلاس شده و به دویی منتقل شده» و «... وام های کلانی که از این مجموعه صادر شده از رقم ۱۰۰ میلیارد تا ۳۰۰ میلیارد بوده است. ۳۱ نفر مفسد اقتصادی در بانک های دیگر هم دست برده بودند و وثایق مشکوک الوصول و غیرقابل وصول نیز داشتند و اصلاً معلوم نیست این پول ها برگردد یا خیر.»

باندهای حاکم، بنگاه ها و شرکت ها را با پرداخت سهم امام به ولی فقیه، بین خود تقسیم کرده و در یک سو انباشت و دارایی، و در سوی دیگر تباهی می آفرینند؛ شستا (شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) نمونه دیگری از این شبکه فساد و تباهی و در دست سران سپاه و کارگزاران حکومتی است. شستا، در بردارنده ی ۱۷ شرکت پتروشیمی، ۹ شرکت نفتی گازی، ۳۰ شرکت تولید و پخش دارو، ۱۳ شرکت سلولزی، چند شرکت تولید لوازم خانگی و کشت و دامداری است. این مجموعه سهام دار چهار بانک، پنج بیمه، یک شرکت تأمین سرمایه و سه شرکت کارگزاری باهنر، صبا تأمین و تأمین آینده نیز می باشد. مانند اختاپوس بر سراسر ایران چنگ افکنده و دستکم بر ۴۰ درصد بازار توزیع دارو، سرمایه گذاری ۴۰ درصدی در بازار سیمان، در اختیار گرفتن ۳۰ درصد از بازار قیر، ۱۷ درصد بازار تایر و... را در مالکیت و انحصار دارد.

آستان قدس رضوی، زیر نام امام هشتم شیعیان، زیر تیول ولی فقیه و شرکا، با مدیریت «سازمان اقتصادی رضوی» مسئول سر و سامان دادن به شبکه استثماری و فساد پیچ در پیچ اقتصادی آستان قدس، با مدیریت دستکم، ۸۹ شرکت و بنگاه اقتصادی کلان و ۳۴ درصد از کل مساحت ایران را در اوقاف و زیر تیول ولی فقیه، در تصاحب دارد. اینها تنها نمونه هایی از مناسباتی اقتصادی و مالکیتی است که مافیای حکومتی را به سان حکومت-طبقه ای ساختار می دهند و در سوی دیگر مرگ و سیه روزی می آفرینند. در این مصادره ها و خصوصی سازی ها و ویرانگری ها، بزرگترین شرکت ماشین ساخت ماشین ابزارهای راه سازی و واگن سازی خاورمیانه-هپکو، بزرگترین فولاد-اهواز و

خدمت سرکوب مستقیم و کشتار، به طبقه حاکم استحاله یافته، در کنار جناح-باند دولت، کارتل هایی همانند آستان قدس، خاتم الانبیا و دیگر ارگان های کهنشانی مالی «بیت المال» یا اقتصاد را زیر قبضه گرفتند.

قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (قرب)، آستان قدس رضوی، «ستاد اجرائی فرمان امام»، «بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی»، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و هلدینگ های وابسته به دولت، شستا) شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) از جمله بزرگترین کارتل های مالی، تجاری، خدماتی، تولیدی و استثماری در دست باندهای حکومتی در ایران. اقتصاد نظامی-کمپرادور را با ابزار حکومتی برای سلطه به پیش می برند. این شرکت های عظیم فساد و استعمار، بدون کوچکترین پرداخت و هزینه ای به مالیات، با برخورداری حتی از بودجه های کلان سراسری، بزرگترین مالکان اقتصاد ایران می شوند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با قرارگاه خاتم الانبیا که روی هم رفته، نفت و گاز و مخابرات ایران را تصاحب کرده و افزون بر ۴۰ درصد کل اقتصاد و پروژه های بزرگ را در دست گرفته؛ از پروژه اتوبان «صدر» در تهران گرفته تا فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی؛ از سد «گتوند» تا اتوبان «حرم تا حرم» (قم تا مشهد) در فرایند ده ساله (۸۴ تا ۹۴) از یک نهاد نظامی - ایدئولوژیک به یک سازمان سیاسی و اقتصادی-نظامی گذر کرده است. ولی فقیه بیش از ۳۵ درصد و دولت نزدیک به ۲۵ درصد از بقیه اقتصاد را در اختیار دارد که پیوسته باید به سپاه واگذارد. در مسیر این گذار، دو بازوی مهم اقتصادی سپاه، یعنی بنیاد تعاون و قرارگاه خاتم الانبیا، حیاتی ترین نقش را ایفا کرده اند. قرارگاه خاتم الانبیا که بنیانگذاری آن به سال ۱۳۶۸ باز می گردد، با مالکیت حداقل ۸۱۲ شرکت، ۶۵۰ هزار نفر نیروی شاغل مستقیم و غیرمستقیم، اجرای ۱۰ هزار پروژه و همکاری مستقیم با ۵۰۰۰ پیمانکار داخلی، اینک دولتی مسلطه در دولت سرمایه، انحصار اقتصاد و ماشین نظامی را در انحصار دارد. آزمندی و سیری ناپذیری این بخش از واپس مانده ترین دلان مسلح، به این دارایی ها بسنده نمی کند- سرداران حکومت اسلامی، تمامی پس اندازها و حقوق حتی «خانواده شهدا و ایثارگران» خویش را بدون هیچ پنهان سازی به سرقت بردند. سرداران سارق، بنا به اعتراف یکی از کارگزاران رقیب باند سپاه، کسانی نیستند به جز سرداران سپاه و بسیج که به بیان باند دولتی ها: «اموال یتیم و صغیر را که جزو خانواده شهدا و جانبازان



روزنه ای برای گریز از مرگ،  
 - به ۱۲ میلیون کارگران بیکار و افزون بر «۲۴ میلیون جوانانی» که بنا به گزارش های دولتی، در سال ۱۳۹۳ شش میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از آنان بین ۱۵ تا ۲۹ ساله بیکار بوده اند. و در ایران، یعنی محروم از هرگونه پشتوانه قانونی، یا کمکی برای گذران زندگی و نیازمندان شب.

- و شمار زنان کار: «از جمعیت ۳۲ میلیون نفری زنان آماده شغل در بهار ۹۳، تنها سه میلیون و ۹۰۱ هزار و ۲۶۶ نفر شاغل و ۲۸ میلیون و ۱۴۱ هزار و ۹۴ نفر نیز در گروه غیرفعالها قرار داشتند.» (روزنامه قانون)

- بنا به آمار بالا، بیکاری زنان افزون بر ۸۰ درصد رسیده است.

- حجم نقدینگی در پایان دی ماه ۹۶ با ۲۶ درصد افزایش نسبت به سال پیش، از مرز ۱۳۶۶ تریلیون تومان گذشته است.

- به افزون بر ۲۰۰ هزار زندانی مالی و بدهکار و اجتماعی ...

- خودکشی ها فزونی یافته، زیرا که از شرم، نانی در دست نیست و سرمایه به فتوای شرع، نان شب کارگران زحمتکش را می رباید.

- شمارکولبران به پانصد هزار تن رسیده و با تک تیراندازن سپاه به خون نشانیده می شوند و مرزها بسته شده اند و نانی که حتی خون آلود، به سفره نمی آید.

- مال باختگان با شمار افزون بر دو میلیون، در برابر صدها بانک و شبکه های مالی و بنگاه های دزدی سرداران سرمایه و اسلام، سپرده های تنگدستی خود را می خواهند.

- شمار قتل های حکومتی در زندان ها با دار و تزریق سم «خودکشی» به ویژه با خیزش دیما فزونی گرفته است.

- اعتصاب ها، اعتراض ها و فریادهای کارگران که ماهانه به میانگین ۱۵۰ در سراسر ایران از هپکوی اراک تا فولاد اهواز و تا هفت تپه شوش و تا کارگران اتوبوس رانی و هرا نجا که کار و کارگری در کار باشد و به میدان با مزدهای رבוده شده جاری اند.

- زنان و دختران خیابان های انقلاب بر سکوها نشانه ی اسارت خود را از سر برگرفته و درفش ساخته اند تا ایدئولوژی حاکم را به چالش گیرند.

- حکومت شونندگان به پا خاسته اند، از باورمندان به آئین درویشی با پوشش سراسر میلیون ها نفری از لایه های میانی و زیر ستم، در سراسر ایران در همین فروردین ماه ۹۷، زیر هجومی خونین ایستادگی کردند و حکومت را به چالش گرفت تا کشاورزان اصفهان و بختیاری و اورمیه و دیگر خشک رودهای

سراسر ایران، آماده سازمانیابی،  
 - دستفروشان، در بردارنده ی زنان، مردان، کودکان و کهنسالان، از کارگران ماهر بیکار تا دانش آموختگان و لایه های فروریخته به طبقه کارگر، با شمار افزون بر ۲ میلیون نفر و هر روزه آماج تیر و دشنه ی اوباشان رژیم، با سفرهای کنار پیاده روها در مصادره سپاه اسلام، آماده خیزش و سازمانیابی،  
 - بخش پیشرو دانشجویان با رویکرد سیاسی و گرایش سوسیالیستی در این فرایند، برابری خواهانه، به پشتیبانی از طبقه کارگر، پیشتازانه به پراتیک آمده اند،  
 - خلق ها، به ویژه خلق کرد و بلوچ و عرب، در اسارت و اشغال حاکمیت مضاعف مناسبات طبقاتی و ستم ملی، در رنج و حکومت نظامی اعلام نشده ای را بر گرده، در اعتراض علیه مناسبات و حاکمیت سیاسی دارای پتانسیل و پویه مندی سازمانیابی و خیزش اند،  
 - حاشیه نشینان با شماری ۲۵ میلیون نفر و پرتاب شده در آنسوی حاشیه زندگی و زیست «در بافت فرسوده ۴۹۵ شهر به مساحت ۵۴ هزار هکتار ۱۱ میلیون تن و در سکونت گاه های غیررسمی در ۹۱ شهر به مساحت ۵۳ هزار هکتار ۹ میلیون تن ...» همانهایی که خمینی، «کوخ نشین» شان خواند در برابر کاخ نشینان، دست به گریبان مرگ و در اعتیاد و فلاکت و نیستی،  
 - فزونی حجم نقدینگی بحران زا از مرز ۱۳۶۶ تریلیون تومان تا بی ارزشی دستمزدها را برساند و دلار از مرز ۶۰۰۰ تومان بگذرد و کاهش قدرت خرید را افزون بر ۳۰ درصد در فاصله یک روز سبب شود،  
 - خط فقر مطلق، یعنی گرسنگی و نداشتن نان شب تا ۵ برابر زیر حداقل دستمزد اسمی کارگران، حاکم شده است،  
 - اختلاس و فساد سراپاگیر باندهای حاکم، و گریز برخی از حکومت جنحه به پناهگاه های امن جنایت برای سرمایه گذاری در بازارهای سهام ...  
 - در چنین شرایطی آگهی برای فروش کلیه، مردمک چشم، کبد، مغز استخوان، نوزاد، و اجاره دهی رحم و تن و جان فروشی، همراه با مرگ بر این ولایت فقیه، مرگ بر حکومت اسلامی و وو بر دیوارهای شهرها، تاریخ و شرایط ۸۰ میلیون اسیر را به نمایش می گذارند،  
 - و اعتراض، همایش، خود سوزی های اعتراضی، مرگ کارگران، دستگیری ها و فریادها در سراسر ایران،  
 - حکومتگران در ایران، بی آینده شده اند. حکومت سه جناح-باندی، نمایندگی بورژوازی و تمامی باندهای سه گانه ی قدرت سیاسی-

## آینده

- با خیزش دی ماه، گذر از جناح های حکومتی و دین و رفرمیسم با شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگر تمومه ماجرا!» خواست سرنگونی کل حکومت را اعلام کرد.

- فرایند خیزش سراسری - با ماهیت طبقاتی زنان و مردان کارگر و تهی دست برای کار، نان، مسکن، آزادی! در دیماه ۹۶ و تداوم جاری آن به جلوه های نو جاری است.

- با شعار نان، کار، مسکن، آزادی! ماهیت طبقاتی ضد سرمایه داری خیزش را در منشور نوشت.

- حضور پیشتازانه زنان تهی دست و کارگر شاخص خیزش جاری گردید.

- همایش زنان شجاع در برابر وزارت کار، در ۸ مارس، روز جهانی زن، در تهران، سمت و سوی مبارزاتی زنان را نمایانگر شد.

- پتانسیل توده ای و سراسری بودن خیزش، فراگیری افزون بر ۱۰۰ شهر را به نمایش گذاشت.

- اراده مندی و توان خیزشگران برای تسخیر شهرها به تجربه درآمد.

- ناتوانی حکومت اسلامی و ماشین سرکوب برای مهار خیزش، برملا شد.

- ترس توده های حکومت شونده فروریخت و هراس حکومتیان آشکار

گردید. شعار ترسیم ترسیم (خود) به شعار بترسید، بترسید (حکومت) فراروید،

- طبقه کارگر و توده های زیر ستم از سیاست زدایی عبور کرده، و هرآینه به سیاست گرایی و به سازمانیابی جهش می یابند.

- خیزش، علیرغم سراسری بودن، اما پراکنده به اقدام مستقیم یورش به نمادهای حکومتی و ایدئولوژیک پرداخت،

- حضور طبقاتی کارگران به نمایش در نیامد، - رهبری سازمان یافته و سراسری سازمان های سیاسی طبقه کارگر، یعنی حزب کمونیست ایران و دیگر سازمانهای سیاسی و طبقاتی پرولتری ناپیدا بود،

- سرمایه جهانی به یاری رسانه هایی همانند صدای آمریکا، بی بی سی فارسی، من و تو، رادیو فردا، ووو برای سلطه هژمونیک سرمایه، فراندوم و همه پرسی برای گزینه ی بورژوازی حکومت سلامی را به میان آوردند، - همگرایی، ائتلاف ها و اتحادهای بورژوازی، در دستور کار سرمایه گذارده شد و شتاب گرفت،

- سرنگونی حکومت اسلامی در ایران، امری حتمی و بی چون و چرا گردید،

### شرایط حاکم

این شرایط، تصویری از یک جامعه طبقاتی و صف آرایی دو طبقه را به نمایش می گذارد:

- الف- طبقه سرمایه دار، در حاکمیت و اپوزیسیون باتمامی گستره های رنگارنگ آن، سازمانیافته، برخوردار از پشتیبانی های مالی، سیاسی و نظامی جهان سرمایه،

- بزرگترین خطر جدی ضد انقلاب، پروژه ی فراندوم و اتحادهای بورژوازی است.

- تمامی ائتلاف ها و گرایش های بورژوازی چه در سراسر ایران از سلطنت طلبان رنگارنگ گرفته، تا مجاهدین خلق تا طیف توده ای-

اکثریتی و جمهوری خواه و نهضت آزادی، ملی مذهبی، رفرمیست ها، سوسیال دمکراتهای لائیک، ناسیونال بورژوازی چه در کردستان

و بلوچستان و بخش های عرب نشین که سرنگونی و رژیم پنج (تغییر) را از بالا به یاری امپریالیسم و حکومت های منطقه مانند عربستان

و اسرائیل چشم به راهند، همگی برای دست یابی به قدرت و به نیابت از سرمایه جهانی به تکاپو افتاده اند.

- این جبهه و گستره بورژوازی، نه تنها پاسخگوی نیازهای خیزش و خواست های ۵۰ سال متراکم شده کارگران و تهی دستان نیستند، بلکه می آیند تا همانند قیام سال ۵۷، برای سال هایی نامحدود، بقای سرمایه و مناسبات را با

اسارت بردگان کار بیمه کنند و خود سهمی به فراخور و وزن خویش به پاداش برند،

ب: طبقه کارگر، تهی دستان شهر و روستا و خرده بورژوازی میانی رو به پائین، سازمان نایافته، نابرخوردار از پشتیبانی اردوگاه یا کمپ انقلابی بین المللی به سر می برد.

- فریاد نان، کار و سرپناه و آزادی- خواست هایی با پشتوانه سراسری و نزدیک به ۸۰ میلیونی، که نیمی از آنان گرسنه اند که هیچ نیرویی در چارچوب مناسبات سرمایه داری قادر به پاسخگویی به آنها نیست.

### ضرورت ها

- سازمانیابی نهادها، ارگان های طبقاتی، سیاسی و حاکمیت طبقه کارگر، تبلیغ و سازمانیابی شوراها به سان نهادهای خودگردان و حاکمیت سیاسی و طبقاتی در مناسبات تولیدی و حکومت کارگری، تراز کمون، پیشبرد امر انقلاب، رهبری طبقه کارگر انقلابی و حزبیت یافته.

- در این شرایط فعالین جنبش سوسیالیستی باید در تمامی عرصه های کارزارها و خواست های اجتماعی، صنفی و توده ای و کار و زیست کارگران و زحمتکشان، زنان، خلق ها، دانشجویان و تهی دستان شهر و روستا حضوری عینی و کارکردی یابند، در پراتیک مبارزاتی، اعتماد سازی کنند، تجربه بیاموزند و بیاموزانند و به رهبری شورایی سزاوار شوند.

- تئوری انقلابی باید به درون توده ها، تبلیغ و ترویج شود، تا توده ها، تئوری را از آن خود بدانند، تا تئوری به نیروی مادی مبارزه تبدیل شود، و در اینصورت است که این نیروی مادی، شکست ناپذیر می شود و نیروی مادی دشمن را در هم می شکند.

### تسخیر قدرت سیاسی

- غلبه بر فضای سیاست زدایی و چیرگی بر بی اعتنایی به سیاست، یعنی روی آوردی برای دست یابی به قدرت سیاسی و از اندیشه به پراتیک بدل شود.

- سیاست، یعنی چیرگی بر هراس و سرکوب و قتل های همه روزهی حکومتی، رویکرد به سازمانیابی نوین طبقاتی و در برگیرندهی بخش های هرچه گسترده تر کارگران، پرداختن به موضوع کسب قدرت سیاسی که همه فزاهای پیش روی جنبش سوسیالیستی می باشند.

- طبقه کارگر، اکنون پراکنده، اما همانند کوره های آتشفشان جدا از هم، و در همایش و اعتصاب در سراسر ایران، باید برای خود برافزاید، تا به رهایی جامعه فرا رود.

- طبقه کارگر برای خود رهایی، باید به خود

آید و از نهفتگی در خویش و در واکنش های جانفرسای روزمرگی و دفاعی بیرون جهد، به مفهوم واقعی خویش، یعنی به طبقه ساختار یابد، به سیاست، یعنی به قدرت سیاسی روی آورد، و گرنه در چنگ بورژوازی حاکم و جایگزین های سرمایه و فراندوم، همچنان در بند و ستمبر خواهد ماند،

- در ایران و نیز سراسر جهان، بحران رهبری و سیاسی بر جنبش کارگری سایه افکنده است،

- افق جنبش طبقاتی روی به روشنایی دارد؛ بخش پیشرو پرولتاریای ایران، نه از اردوگاه های سوسیالیسم دروغین چین و نه از روسیه الگو می گیرد، بلکه با تجربه های مبارزاتی کارگران در جهان، اما اینک با مغز خود میاندیشد، و با پاهای خویش بر میدان مبارزه طبقاتی گام نهاده است.

### آینده، شرایط

#### و پاسخگویی به ضرورت ها

- رهایی در گرو آگاهی و آگاهی در گرو درک ضرورت است.

- سرنگونی تنها بخش سلبی (نفی) دیالکتیک مبارزه طبقاتی را پاسخ می گوید، وجه ایجابی (ساخت) آن، یعنی تحقق نو، ضرورت این دگرگونی است.

- انقلاب کارگری، هم راهگشا و هم زاینده مناسبات نوین است.

- تحقق سوسیالیسم، وجه سنتز یا ایجابی، یعنی ساختاریابی کمون های شورایی، برای برقراری مناسبات نوین تولید و اقتصادی، در همبستگی، برای برابری، زیبایی و سازندگی جهان و مناسبات انسانی، استراتژی انقلاب است.

- سرنگونی انقلابی، یعنی رهبری طبقه کارگر سازمانیافته، آگاه و اراده مند برای انقلاب کارگری.

- هژمونی طبقه کارگر آگاه و سازمانیافته در ایران، در جنبش برای سرنگونی انقلابی حکومت سرمایه، بدون سازمانیابی بلوک چپ و سوسیالیستی فراگیر، ناممکن است.

- حزب کمونیست ایران، برخوردار از اعتبار و اعتماد و تجربه و برنامه انقلابی، وظیفه مند است تا چنین رویکرد و فرایندی را همانگونه که در برنامه حزبی دارد، مادیت بخشد.

- نه این نسل های گرفتار، نه آیندگان و نه تاریخ - به مفهوم مبارزه طبقاتی - کسانی را که این شرایط، آینده و ضرورت ها را نادیده گرفته و پاسخگو نیستند را نخواهند بخشید.

نیمه دوم فروردین

نیمه نخست آوریل ۲۰۱۸



ریزان حمیدی

## مروری کوتاه بر برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در کردستان

و پوشاک به همراه کارگران کارخانه و کارگاه های مختلف، کارگران ساختمانی، اصناف و کارگران بیکار مراسم مستقل خود را در سالن کارخانه شاهو برگزار کردند و در پایان قطعنامه ایی از سوی کارگران صادر و تصویب شد. در همین روز مقامات اداره کار و امور اجتماعی نیز مراسمی به مناسبت اول ماه مه در کارخانه پوشاک برگزار کردند و کارگران را با زور و اجبار و تهدید مجبور به شرکت در این مراسم کردند. در این مراسم دو تن از مقامات رژیم اقدام به سخنرانی نمودند که در حین سخنرانی، صحبت های آنها از سوی کارگران تحریم شد. بعداز تحریم صحبت های نماینده اداره کار، مزدوران میکروفون را قطع کردند در این حین کارگر سخنران با صدای بلند تر فریاد زد " کارفرما و اداره کار تحمل شنیدن صدای کارگران در پشت میکروفون را ندارند ولی ما استوار و با تمام طنین حرف هایمان را خواهیم زد." در پایان این مراسم، کارگران قطعنامه ایی صادر کردند که شامل این مطالبات بود:

۱. به رسمیت شناختن تعطیلی اول ماه مه از طرف دولت
۲. بیمه بیکاری
۳. تهیه پیش نویس قانون کار جدید

با شرکت نمایندگان واقعی کارگران در ادامه مبارزه برای برگزاری مراسم های اول ماه مه، دو ماه پیش از اول ماه مه سال ۶۶ هیئت برگزاری مراسم اول ماه مه برای پیشبرد امورات اول ماه توسط جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنندج تشکیل شد. در روز اول ماه مه علیرغم مخالفت اداره کار با برگزاری این مراسم و ندادن مکان مناسبی برای برگزاری مراسم، اما چند روز مانده به مراسم فضای شهر سنندج شاهد جنب و جوش و تدارک کارگران و زحمتکشان این شهر برای برگزاری اول ماه مه بود. روز اول ماه مه گروه گروه کارگران به محل برپایی تجمعات در حرکت بودند. بزرگترین تجمع در پاساژ "عزتی" با شرکت جمعیتی بالغ بر هزار نفر در ساعت دو بعدازظهر برگزار شد. این مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد کارگران جانباخته شیکاگو و دیگر کارگران جانباخته آغاز شد. سپس پیام هیئت برگزاری مراسم به

شعار نویسی به استقبال اول ماه مه رفتند. به دنبال اشغال کردستان توسط جمهوری اسلامی اولین مراسم ماه مه در سال ۱۳۶۴ برگزار شد. کارگران زیادی از کارخانه ها، کارگاه ها، اصناف و کارگران بیکار، اقدام به برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه نمودند. در این روز بسیاری از کارخانه ها و کارگاه ها توسط کارگران تعطیل شد و مراسم های دولتی به شدت تحریم شدند.

با نزدیک شدن به اول ماه مه، شهر سنندج به حالت نیمه تعطیلی درآمد. روز دهم اردیبهشت مردم دسته دسته در کوچه ها و خیابان ها به هم می رسیدند و می گفتند، فردا روز کارگر است و کار تعطیل است. در این روز کارگران



شرکت های دولتی از جمله مخابرات و شهرداری بر سر کار حاضر نشدند. مغازه داران و کارگران کارخانه ها و کارگاه های کوچک و بزرگ از جمله صنایع فلز و کمد سازیها، جوشکاریها، آلومینیوم سازان، صنایع چوب و ... در این روز کار را تعطیل و در مراسم های مستقل خود شرکت کردند. در این مراسم ها شرکت کنندگان در مورد مسائل مختلف از جمله اتحادیه و شرایط مختلف کار و اهمیت روز جهانی کارگر به بحث و تبادل نظر می پرداختند.

در سال ۶۵ کارگران کارخانه ها، کارگاه ها، اصناف و کارگران بیکار در کارخانه پوشاک سنندج تجمع مشترکی برگزار کردند و در این مراسم از خواسته ها و مطالبات کارگران و عزم راسخشان برای رهایی طبقه کارگر صحبت شد.

علیرغم فضای به شدت امنیتی شهر سنندج، دویست نفر از کارگران کارخانه های شاهو

در شرایطی به اول ماه مه نزدیک می شویم که مبارزه طبقاتی در ایران هم در عرصه مبارزات کارگری و هم در میدان تلاش برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات دیماه ۹۶ و بعد از آن حاد شده است. در چنین شرایطی مروری بر برگزاری مراسم های اول ماه مه به طور خلاصه می تواند مفید باشد.

مردم مبارز و آزادیخواه کردستان طی چندین دهه، با مقاومت و مبارزه در مقابل مرتجع ترین رژیم حاکم توانسته اند به همت همین مبارزه و مقاومت دستاوردهای ارزنده ای کسب کرده و سنت های ارزنده ای را در جامعه تثبیت کنند. یکی از همین سنت های ارزنده، برگزاری مراسم های اول ماه مه توسط فعالین کارگری در شهرهای مختلف کردستان می باشد.

در طول چندین دهه کارگران کمونیست و مردم آزادیخواه و برابری طلب شهرهای کردستان با برگزاری مراسم های مستقل روز کارگر، همواره کلیه خواست ها و مطالبات برحق خود را اعلام کرده و علیه ظلم و ستم و استثمار شدید کارگران توسط کارفرمایان و دولت حامی آنها دست به افشاگری زده اند و بر ضرورت ایجاد تشکلات کارگری و متشکل شدن کارگران تاکید کرده اند. قبل از هر چیز باید تاکید کرد

که جنبش کارگری و کمونیستی در کردستان ایران یک جنبش اجتماعی فعال است که تلاش ما کمونیست ها و همه فعالین این جنبش برای برجسته کردن این واقعیت جزئی از این پروسه و گسترش دامنه اجتماعی آن است. به همین دلیل، باید زنده نگه داشتن و باز تولید سنت های برگزاری مراسم های اول ماه مه روز جهانی کارگر را وظیفه خود و هر فعال کارگری و کمونیستی بدانیم.

### مراسم های دهه شصت:

دهه شصت، سال های پر از بگیر و ببند، زندان، شکنجه و اعدام هزاران انسان آزادیخواه و کمونیست است. این اسارت ها و شکنجه و اعدام ها که در سایه جنگ ارتجاعی ایران و عراق انجام می گرفت یک فضای به شدت قیروستانی را در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به وجود آورده بود. شمار زیادی از فعالین کارگری و مردم آزادیخواه سنندج در دل این خفقان و سکوت، با برپایی تجمع و



همین سال روز هشتم اردیبهشت کوه آیدر به صحنه شکوهمند شوق و شادی صدها زن و مرد کارگر و زحمتکش تبدیل شد که به استقبال اول ماه مه رفته بودند. ساعت ۴:۳۰ دقیقه بامداد شمار



زیادی از زنان و مردان انقلابی به سمت کوه آیدر حرکت کردند و در مسیر به این مناسبت تراکت‌هایی با مضامین "گرامی باد ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر"، "زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" و گرانی و خفقان و بیکاری هدیه جمهوری اسلامی را نصب کردند.

در روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۸ نیز کارگران دسته دسته از ساعت یک بعداز ظهر به سمت سالن تختی حرکت کردند. ماموران رژیم که پیشتر در محل برگزاری این مراسم مستقر شده بودند با بازدید کارت شناسی کارگران و تهدید آنها سعی در برهم زدن مراسم را داشتند. بالاخره ساعت سه بعداز ظهر مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد کارگران جانباخته شیکاگو و همه کارگرانی که در محل کار جان خود را از دست داده اند آغاز شد. در ادامه رفیق "جمال چراغ ویسی" در دو نوبت در مورد تاریخچه اول ماه مه، ضرورت متشکل شدن کارگران، برپایی شورا و مجمع عمومی و بیمه بیکاری، سخنانی ایراد نمود. وی در صحبت‌های خود به چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه توسط کارگران جهان و عنوان این مسئله که کارگران باید با تعطیلی این روز و توقف تولید، قدرت متحد خود را به نمایش بگذارند، اشاره کرد. در ادامه یکی دیگر از حاضرین در مورد ستم و تبعیضی که در جامعه علیه زنان اعمال می شود سخنانی ایراد نمود. سپس کارگر ۱۵ ساله ایی در باره کار کودکان کمتر از ۱۸ سال سخنرانی کرد. وی به تفصیل توضیح داد که سرمایه داران چگونه از فقر و تنگدستی خانواده های کارگری جهت استثمار فرزندان شان استفاده می کند. در پایان قطعنامه ۲۳ ماده ایی که توسط کارگران تصویب و مورد تأیید قرار گرفته بود قرائت گردید. در این قطعنامه آمده بود:

#### ما کارگران کردستان خواستار:

۱. ما خواهان به رسمیت شناختن و تعطیلی ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر هستیم.
۲. ما خواستار به رسمیت شناختن تشکل های کارگری اعم از شورا، سندیکا و اتحادیه و کمیته حل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان با حضور نماینده واقعی

سمع حاضرین رسید. در ادامه یکی از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری و نیر شرکت زنان در کلیه شئون اجتماعی دوشادوش مردان، به سخنرانی پرداخت. سپس چندین ترانه و سرود تقدم حاضرین گردید. بعد از آن یکی دیگر از کارگران در مورد تاریخچه روز جهانی کارگر، ممنوعیت کار کودکان و تسهیلات لازم برای پرورش کودکان سخنانی ایراد نمود. در ادامه یکی دیگر از کارگران به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: جنگ ایران و عراق باعث تحمیل مشقات بسیاری بر کارگران شده، به بهانه این جنگ ویرانگر، بیکاری و گرانی، مالیات های گزاف، کمبود مواد اولیه که باعث سلب امنیت از زندگی مردم شده بیش از پیش گسترش یافته است. ما کارگران و مردم خواستار قطع جنگ هستیم." در پایان این مراسم قطعنامه ایی ۱۷ ماده ایی قرائت شد که مورد تأیید و تصویب کارگران قرار گرفت. باید تأکید کرد در این روز علاوه بر پاساژ عزتی مراسم های مستقل دیگری در "دانشگاه رازی سنندج، کارخانه پوشاک سنندج، کارخانه شاهو، محل اتحادیه خبازان، شرکت ماد و مسکن و شهر سازی" برگزار گردید. همچنین شمار زیادی از زنان با حرکت به سوی خیابان سیروس که با پرچمها و ستاره سرخ تزئین شده بود روز اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در محلات "حسن آباد، فرح، چهارباغ، غفور، شریف آباد، عباس آباد و کلکه جار" مردم زحمتکش این روز را جشن گرفتند.

در پی تصمیم به برگزاری مراسم اول ماه مه در سال ۶۷ روز دهم اردیبهشت شهر سنندج به شدت میلیتاریزه شده بود و نیروهای سرکوبگر رژیم در خیابانها و کوچه های این شهر مستقر شده بودند. ماموران رژیم محل های برگزاری مراسم را کاملاً زیر نظر داشتند و به هر کسی که مشکوک می شدند وی را دستگیر می کردند. اما عکس العمل هوشیارانه کارگران این توطئه را خنثی می کرد. اداره کار از یک هفته قبل از اول ماه مه برای مشخص کردن محل برگزاری مراسم کارشکنی کرده بود اما کارگران با عزمی راسخ دبیرستان "رنج آوری" را برای مراسم آماده کردند. علیرغم همه تهدیدها و کارشکنی های مقامات رژیم از ساعت ۱ بعداز ظهر ۱۱ اردیبهشت تا ساعت ۳ کارگران و شرکت کنندگان به سوی دبیرستان رنج آوری حرکت می کردند. در این فاصله هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان در آنجا جمع شدند. مراسم با خواندن سرود و یک دقیقه سکوت به یاد کارگران جانباخته شیکاگو و همه کارگران جانباخته آغاز شد. سپس پیام

برگزار گردید ولی بعد از اتمام جنایتکارانه رفیق جمال چراغ ویسی مراسم های روز جهانی کارگر برای چند سالی به صورت گلگشت و یا در محافل خانوادگی برگزار می گردید. در سال ۸۳ و ۸۴ که فضای مبارزاتی کمی بهبود یافته بود و کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی تاسیس شدند و سندیکای شرکت واحد احیا شد در سقر مراسم باشکوهی به مناسب اول ماه مه در پارک کودک سازمان داده شد. اما ماموران رژیم مانع از برگزاری مراسم گشتند. در کشمکش هایی که بین کارگران پیشرو، از جمله محمود صالحی و ماموران رژیم پیش آمد. ۶۵ کارگر و از جمله محمود صالحی دستگیر و به زندان سقر منتقل شدند. دستگیر شدگان به محض ورود به زندان با طنین "سرود انترناسیونال" مراسم خود را در زندان برگزار کردند. این مراسم سرآغاز بازگشت مراسم های مستقل کارگری به داخل شهرها شد.

در این روزها که بحث سرنگونی جمهوری اسلامی در میان مردم، سازمان ها و جنبش کارگری مطرح است این امکان فراهم شده تا مراسمهای باشکوه روز جهانی کارگر در شهرهای متعدد ایران و به ویژه شهرهای کردستان برگزار شود. در این روز باید کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر صف طبقاتی خود را در خیابانها و میادین شهرها به نمایش بگذارند. در این روز باید صف انسانیت تحت پرچم های سرخ و با شعار وحدت آفرین "کارگران جهان متحد شوید" رژه برونند. با امید به برگزاری هرچه باشکوه تر مراسمات کارگری روز جهانی کارگر.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

\*\*\*

(۱) من در این مقاله از نوشته نسان نودینیان در این رابطه بهره برده ام.

برای کلیه فرزندان کارگران و زحمتکشان تا سن ۱۸ سالگی با مخارج دولت هستیم.

۱۵. ما خواستار افزایش روزهای مرخصی از ۱۲ روز به ۳۰ روز در کلیه واحدهای تولیدی و غیر تولیدی برای کارگران هستیم.

۱۶. ما خواستار ایجاد تسهیلات رفاهی برای زنان اعم از مهد کودک، شیرخوارگاه و مرخصی کافی در زمان بارداری و ایجاد رختشورخانه های عمومی در محل های کار و زیست زنان هستیم.

۱۷. ما کارگران خواستار کاهش فوری قیمت کالاهای ضروری و مایحتاج عمومی اجتماع هستیم.

۱۸. ما خواهان پرداخت به موقع دستمزدها و بن کالاها هستیم.

۱۹. ما خواستار تحول کالاهای اساسی که بتواند کمکی به سطح معیشت ما کارگران در مقابل تحویل بنهای کارگری باشند، هستیم.

۲۰. ما خواهان به مجازات رساندن افراد رشوه خوار و سودجو در تمام ادارات و موسسات دولتی و خصوصی هستیم.

۲۱. ما خواستار فراهم کردن امکانات ورزشی و تفریحی برای کلیه کارگران در محلهای کار و زیست کارگران هستیم.

۲۲. ما کارگران کردستان پشتیبانی قاطعانه خود را از مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان فلسطینی علیه اسرائیل و امپریالیسم اعلام می داریم.

۲۳. ما کارگران کردستان پشتیبانی قاطعانه خود را از مبارزات کارگران جهان را راه به ثمر رسانیدن خواسته های برحق خود اعلام می داریم.

باید گفت که در این سال مراسم های باشکوهی با حضور صدها زن و مرد کارگر و زحمتکش در نقاط مختلف از جمله "مهآباد، مریوان، نقره، اشنویه، بوکان، سقر، اورامان، ژاورود و کامیاران

۳. اگر زنان نصف جامعه را تشکیل می دهند، ما کارگران کردستان خواستار برابری حقوق کامل مردان و زنان در مقابل کار برابر و در کلیه شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هستیم.

۴. ما خواستار ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۸ سال می باشیم

۵. ما خواستار افزایش دستمزد کارگران با توجه به بالارفتن تورم و هزینه یک خانواده ۵ نفره هستیم.

۶. حداقل دستمزد کارگران با توجه به بالارفتن تورم و هزینه خانواده ۵ نفره که توسط نمایندگان واقعی کارگران تعیین می گردد را خواستاریم

۷. ما خواستار برقراری ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیلی متوالی در هفته هستیم.

۸. ما خواستار ممنوعیت هر نوع اضافه کاری و شب کاری در کلیه واحدهای تولیدی و غیر تولیدی، جز کارهای ضروری اجتماع آنها با حقوق و مزایای دو برابر می باشیم.

۹. ما خواستار ممنوعیت هر نوع قطعه کاری و کار کنتراتی هستیم.

۱۰. ما خواستار ممنوعیت هر گونه اخراج و پائین آوردن دستمزدها از طرف کارفرمایان به بهانه های مختلف هستیم

۱۱. ما خواستار ایجاد بیمه بیکاری برای تمامی افراد بیکار و آماده به کار اعم از زن و مرد بالاتر از ۱۸ سال می باشیم.

۱۲. همانطور که می دانیم باعث اصلی فساد و فحشا و اعتیاد، فقر و بیکاری در جامعه است، ما خواستار ایجاد کار مناسب برای کلیه زنان و مردان بالاتر از ۱۸ سال می باشیم.

۱۳. ما خواستار مسکن مناسب، بهداشت و تعاونی مصرف در محل های مناسب برای کارگران و زحمتکشان می باشیم.

۱۴. ما خواستار اجباری کردن تحصیل

### اعضا، هواداران و دوستداران

حزب کمونیست ایران و کومه له!

مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد!

ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.



**کمک مالی**  
به  
**حزب**  
**کمونیست**  
**ایران**  
و  
**کومه له**

### آدرس های حزب کمونیست ایران

#### و کومه له

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

دبیرخانه

حزب کمونیست ایران

نماینده گی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

## به استقبال اول ماه مه روز کارگر برویم!

فشاری فعالین حزب و فعالین و پیشروان طبقه کارگر به فراخوان اول ماه مه، اهمیتی دو چندان می یابد. دعوت کارگران به خواباندن چرخ تولید در همه کارخانه ها و تعطیلی کار در مراکز خدماتی، تحریم مراسم های فرمایشی دولتی، برگزاری مراسم و تجمع های کارگری مستقل از دولت، صرفا دفاع و تأکید بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر و آموزش توده های کارگر با جنبه انترناسیونالیستی مبارزه شان علیه سرمایه نیست، بلکه در همانحال تمرین دست بردن به سلاح اعتصاب سراسری بمثابه برنده ترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه با سرمایه داران و نشانه ظرفیت و توانائی طبقه کارگر برای رهبری مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران است.

در آستانه اول ماه مه، پیشروان و فعالین کارگری لازم است برای متحد کردن و سازمان دادن توده های کارگر جهت برگزاری هر چه وسیع تر و شکوهمند تر مراسم های اول ماه مه دست بکار شوند. حداقل چیزی که طبقه کارگر در تدارک و کوشش برای انجام این آکسیون بدست خواهد آورد، درجه بالاتری از پیوند و اتحاد در میان آنان خواهد بود.

کارگران ایران بنا به تجربه و سنت سالهای گذشته در روز اول ماه مه در قطعنامه های خود بر مطالباتی تأکید می کنند که نه تنها خواستهای محوری طبقه کارگر ایران را در بر دارد بلکه عاجل ترین مطالبات جنبش های اجتماعی دیگر و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را نیز شامل می شود. کارگران ایران در این روز با اتکا به تجارب مبارزاتی تاکتونی شان بر خواست افزایش دستمزدها متناسب با تأمین یک زندگی انسانی، تأمین بیمه بیکاری مکفی برای کلیه افراد آماده بکار، لغو کار کودکان، آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب و اعتصاب، آزادی قلم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به مجازات اعدام، پایان دادن به تبعیض جنسی علیه زنان و تأمین برابری زن مرد در کلیه عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأکید می کنند. بازو در بازوی هم برای برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم و تجمع های اول ماه مه تلاش کنیم.

برگرفته از سخن روز

سایت حزب کمونیست ایران

۰۱-۲۳-۱۳۹۷ | ۰۴-۱۲-۲۰۱۸



می کنند. خیزش سراسری دی ماه که حدود صد شهر ایران را فرا گرفت بر بستر این زمینه های عینی شکل گرفت.

بر متن تعمیق این بحران و فقر و فلاکت اقتصادی، اعتراضات و اعتصابات کارگران علیه شرایط فلاکتباری که به کار و زندگی و معیشت آنها تحمیل شده ادامه دارد. در شرایطی که جمهوری اسلامی برای مقابله با روند رو به گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای عمدتاً به حربه قهر و سرکوب روی آورده است، این جنبش زنده و اعتراضات هر روزه کارگری است که پیوستگی فضای اعتراضی جامعه علیه جمهوری اسلامی را حفظ کرده است. تعمیق بحران اقتصادی و تنگنهایی که رژیم بدان گرفتار آمده است، کور شدن افق تبدیل شدن به یک قدرت برتر منطقه ای، انزوای بین المللی، هراس از برآمد جنبش کارگری و خیزشهای توده ای و درماندگی جمهوری اسلامی در کنترل این بحرانها، رژیم را از درون نیز با بحران و ریزش روبرو کرده است. این اوضاع و تداوم بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی و نفرت و انزجار عمومی از ادامه حاکمیت رژیم فاسد جمهوری اسلامی، خیزشهای توده های و طغیان های اجتماعی نیرومند تر از آنچه در دی ماه شاهد بودیم را در چشم انداز اوضاع ایران قرار داده است.

اکنون که در آستانه اول ماه مه قرار داریم، ضروری است که کارگران کمونیست و پیشرو با آگاهی بر جایگاه و نقش خود و توان و ظرفیت هایی که جنبش مبارزاتی طبقه کارگر دارد، با اعلام عزم راسخ جهت دامن زدن به جنبش مطالباتی کارگران، نگذارند که سرمایه داری ایران و جناح های مختلف رژیم جمهوری اسلامی با پا گذاشتن بر شانه های طبقه کارگر، خود را از گودال این بحران سیاسی و اقتصادی رها سازند و به قیمت خانه خرابی و به تباهی کشاندن زندگی میلیونها خانواده کارگری به بقاء خود ادامه دهند. در این اوضاع تأکید و پا

به اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر نزدیک می شویم، اول ماه مه برای کارگران جهان بویژه از دو جهت اهمیت دارد. اول آنکه در این روز کارگران همه کشورها، آگاهی طبقاتی شان، آگاهی بر شرایط زندگی، کار و مبارزه شان و آگاهی بر راه رهایی از ستم و استثمار نظام سرمایه داری را به نمایش می گذارند، کارگران نشان می دهند که نظام استثمارگر و ظالمانه سرمایه داری جاودانه و ابدی نیست، نشان می دهند که سرمایه داری پایان تاریخ نیست، کارگران جهان در این روز بر همبستگی بین المللی صفوف شان، و بر مبارزه جهانی طبقه کارگر برای برانداختن نظام بردگی سرمایه داری تأکید می کنند.

در این روز کارگران جهان در یک آکسیون مشترک بین المللی، نیروی همبستگی و قدرت طبقاتی واقعی خود را احساس می کنند. اول ماه مه، روز کارگر فراخوانی است به صدها میلیون زن و مرد کارگر از هر ملیت و یا هر نژاد و رنگ پوست، تا در این روز در یک آکسیون مشترک، تولید سرمایه داری را به توقف بکشاند، همه چرخهای تولید را از حرکت بازدارند، اعتصابی جهانی بر پا کنند، و هر گردان از این ارتش جهانی صدها میلیونی، بیشترین نیروی رزمنده خود را با طرح عاجل ترین خواسته هایش رودروری طبقه سرمایه دار و دولت های حامی آن قرار دهد.

در ایران طبقه کارگر در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رود که تعمیق بحران اقتصادی سرمایه داری ایران شرایط دشواری را به کار و زندگی طبقه کارگر تحمیل کرده است. تورم و گرانی، بیکارسازیهای پی در پی، عدم امنیت شغلی، قراردادهای کاری کوتاه مدت و سفید امضاء، دستمزدهای چهار مرتبه پایین تر از خط فقر، عدم پرداخت بموقع همین دستمزدهای ناچیز، افزایش سوانح محیط کار، افزایش ساعات کار روزانه، همه اینها طبقه کارگر ایران را در یکی از دشوارترین دوره های حیات خود قرار داده است. هر دم بر شمار بیکارانی که اکثریت آنها را جوانان آماده بکار تشکیل می دهند و امیدی به پیدا کردن کار و شغل ندارند، افزوده می شود. پیامدهای این شرایط اقتصادی، خانواده های کارگری را با آسیب های اجتماعی دردناکی روبرو کرده است. گسترش بی مهار کار کودکان، افزایش اعتیاد به مواد مخدر، افزایش پدیده تن فروشی از جمله مصائبی هستند که خانواده های کارگری با آن دست و پنجه نرم



## اطلاعیه کمیته خارج از کشور

## حزب کمونیست ایران

## به مناسبت جانباختن رفیق سیامک شامی

با کمال تأسف امروز، ۱۶ ماه آوریل ۲۰۱۸، رفیق سیامک شامی عضو کمیته مرکزی کومه‌له و عضو کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران، به علت ایست قلبی جان باخت.

رفیق سیامک یکی از کادرهای قدیمی حزب کمونیست ایران و کومه‌له بود که در سن نوجوانی به صفوف کومه‌له پیوست و به دلیل شور انقلابی و صمیمیت و توانایی‌های برجسته‌اش بسیار زود به چهره قابل اتکاء هم‌زمانش تبدیل شد.

در خارج از کشور نیز رفیق سیامک یکی از کادرهای شناخته شده، سخت کوش و فعال بود که با روحیه بالای مبارزاتی، صمیمیت، کاردانی و توانایی به چهره محبوب تشکیلات خارج حزب و جامعه سیاسی خارج از کشور تبدیل شده بود. رفیق سیامک، به عنوان عضو کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران، نقش مهمی را در پیش برد فعالیت‌های این بخش از تشکیلات ایفا می‌کرد.

به این شکل رفیق سیامک شامی زندگی‌اش را وقف مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر و مردم زحمتکش نمود. با جانباختن رفیق سیامک حزب کمونیست ایران و کومه‌له، بخصوص تشکیلات خارج از کشور حزب، یکی از بهترین کادرهای خود را از دست داد.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران جانباختن رفیق سیامک شامی را به همه اعضای خانواده وی، بخصوص فرزندش شوان عزیز و همسر و هم‌رزمش حیات دولتیاری، و همچنین به اعضای حزب کمونیست ایران و پیشمرگان کومه‌له تسلیت می‌گوید.

یاد رفیق سیامک عزیز گرامی و راهش پر رهرو باد!

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

۱۶ آوریل



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له  
به مناسبت جانباختن رفیق سیامک شامی  
عضو کمیته مرکزی کومه‌له  
و کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

با تأسف فراوان به اطلاع می‌رسانیم که، رفیق سیامک شامی از کادرهای با سابقه حزب کمونیست ایران و کومه‌له، عضو کمیته مرکزی کومه‌له و کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران، یکی از وفادارترین کادرهای کومه‌له که اخیراً جهت مأموریت تشکیلاتی به کردستان بازگشته بود، روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه مورد حمله قلبی قرار گرفت و علیرغم تلاش پزشکان بیمارستان سلیمانیه، متأسفانه جان باخت.

رفیق سیامک شامی که سالها در واحدهای رزمی پیشمرگان کومه‌له از جمله، در گردان‌های شوان و ۲۲ ورمی و سایر عرصه‌های مبارزه کومه‌له و حزب کمونیست ایران در خارج از کشور فعالیت کرده بود، از زمره کادرهای صمیمی، صادق، سخت کوش و مسئولیت‌پذیر حزب کمونیست ایران و از چهره‌های محبوب در صفوف پیشمرگان و مردم بود.

با جانباختن رفیق سیامک، حزب کمونیست ایران و کومه‌له و تشکیلات خارج از کشور حزب یکی از وفادارترین کادرهای خود را از دست داد.

کمیته مرکزی کومه‌له جانباختن رفیق سیامک را به همسر مبارز و رزمنده‌اش رفیق حیات دولتیاری و به تنها فرزندش شوان عزیز و خانواده رفیق سیامک، رفقا و دوستان فراوانش تسلیت می‌گوید.

کمیته مرکزی کومه‌له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۷

## اطلاعیه دبیرخانه کومه‌له درباره قتل عام خانواده چهار تن از اعضای حزب کمونیست ایران

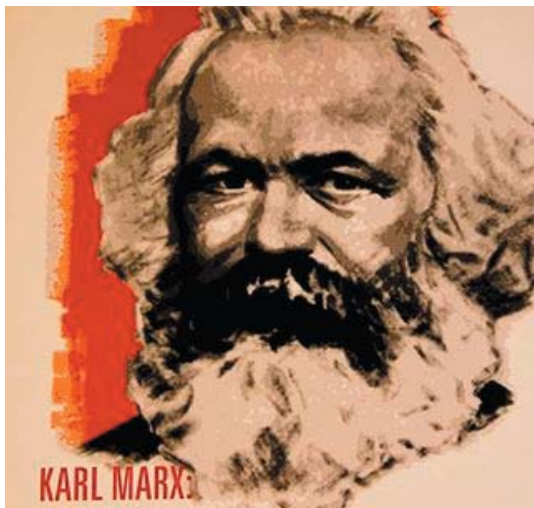
این حمله هولناک، از اعضای خانواده چهار تن از پیشمرگان کومه‌له و اعضای حزب کمونیست ایران هستند. گفتنی است خانواده مذکور علیرغم اینکه به دادستانی و مقامات سپاه پاسداران در دیواندره نامه نوشته و اعلام کرده بودند که فرد مهاجم، بارها آنان را تهدید به قتل عام کرده است و وی نباید مسلح باشد، اما کسی به شکایت‌های آنان توجهی نکرده بود. ما ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک، به رفقا برهان، نوید و آرام دیوارگر و مریم اخضر پور و سایر بازماندگان این جنایت، تسلیت می‌گوئیم و تردید نداریم که مردم قهرمان شهرستان دیواندره در مقابل این جنایت ساکت نخواهند نشست و با اعتراض و نارضایتی گسترده خود و تحت فشار قراردادن مقامات حکومتی، خواهان محاکمه و مجازات این جنایتکار خواهند شد.

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه‌له

۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۷

بنابه اخبار دریافتی، ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۲۹ فروردین ماه، یکی از مزدوران رژیم به نام "رسول فکرت"، با حمله به منزل خانواده چهار تن از اعضای حزب کمونیست ایران، رفقا برهان، نوید و آرام دیوارگر و مریم اخضر پور، اعضای خانواده آنان را به گلوله بسته و به قتل رساند.

ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه صبح امروز چهارشنبه ۲۹ فروردین ماه یکی از مزدوران رژیم به نام "رسول فکرت" از عوامل سپاه پاسداران در شهر دیواندره با لباس فرم رسمی سپاه وارد منزل این خانواده شده و با خالی کردن ۳ خشاب کلاشینکوف، پدر و مادر سالخورده و همچنین دو تن از خواهران این رفقا با نام‌های "پرشنگ" ۳۰ ساله و "نینا" ۱۰ ساله را به طرز فجیعی قتل عام کرد. در جریان این حمله جنایتکارانه همچنین فرزند خردسال خواهرشان به نام "آدرینا" ۵ ساله به شدت زخمی که در بیمارستان شهر دیواندره بستری است. قربانیان



## در گرامیداشت ۲۰۰ مین سالگرد تولد مارکس

در همان حال شگفت آنست که کتاب "سرمایه" مارکس نیز، که بورژوازی سال ها آنرا کتابی سنگین و غیرقابل فهم اعلام کرده بود، اکنون در میلیون ها نسخه و به اشکال گوناگون چاپ و جزء پر فروش ترین ها شده است.

مارکس پیشتاز ترین فرزند زمانه خود بود. او یک فعال و انقلابی جنبش کارگری بود و در همین پروسه و با

استفاده از دستاوردهای عظیم جنبش کارگری و سوسیالیستی و از آن جمله جنبش چارتریسم و مبارزات کارگران در پاریس و برقراری حکومت کمون در ۱۸۷۱ بود

که توانست سوسیالیسم علمی را بپروراند. رنسانس مارکس و سوسیالیسم علمی، که اکنون با اصطلاح "بازگشت مارکس" جهانگیر شده و نشریات دست راستی بورژوایی نیز به

این واقعیت اعتراف کرده اند، پروسه ایست که از دهه هفتاد شروع شد. در طی این پروسه معتقدین به سوسیالیسم علمی توانستند

میلیون ها کارگر و فعال جنبش های اجتماعی را به باور برسانند که پس از تسلط ناسیونالیسم روسی بر حزب کمونیست روسیه هر چه تحت

سلطه استالین و جانشینانش به نام مارکس نوشته و انجام گرفته ربطی به او نداشته است. آنها همچین قادر شدند این اعتقاد را مستدل

کنند که آنچه در چین و تحت رهبری "حزب کمونیست چین" می گذرد هیچ ربطی به مارکس و سوسیالیسم علمی نداشته، هیچ بلکه سرمایه داری هاری است که مارکس جوانب

گوناگون آنرا شکافت، اساس استثمار و سود در آنرا کشف نمود، گورکن آن، یعنی کارگران، را نیز به جهانیان شناساند و به اختصار جوانبی از بدیل سیستم سرمایه داری، یعنی سوسیالیسم را

پنجم ماه مه ۲۰۱۸ دو یستمین سال تولد مارکس انقلابی و متفکر بزرگ هزاره است. نه تنها دهها میلیون انسان کمونیست و آگاه در سراسر جهان خود را برای برگزاری مراسم هایی در بزرگداشت این آموزگار رهایی بشریت آماده کرده اند، بلکه ستایشگران سیستم مصیبت آفرین سرمایه داری نیز ناچار شده اند به خاطر تحلیل های علمی و آینده نگرانه از مارکس ستایش کنند.

فریدریش انگلس نزدیک ترین دوست و همزم کارل مارکس نوشت: «جهان بینی مارکس پیروان خود را بسیار فراتر از محدوده آلمان و اروپا یافت و به ادبیات تمامی زبان های جهان وارد

شد. این، بدین سبب محقق شد، که مارکسیسم بر خلاف تعبیر مبلغان بورژوازی، یک آزمایش انتزاعی نبود. برعکس، تدوین این آموزه پاسخی بود به خواست تاریخی بشریت». این حقیقت

را پیرو بزرگ او، ولادیمیر ایلیچ لنین نیز مورد تأکید قرار داد: «همه نبوغ مارکس درست در این است که او به پرسش هایی پاسخ داد که تفکر

پیشرو بشریت مطرح کرده بود. تعالیم او بمثابة ادامه مستقیم و بلاواسطه آموزه های نامداران بزرگ فلسفه، اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم به

عرصه رسید». از سال ۲۰۰۸ به بعد، که بحران ساختاری و عمیق سرمایه داری کارگران، مردم زحمتکش، طبقه متوسط و حتی بخش هایی از بورژوازی را

تحت فشارهای طاقت فرسا قرار داد بازگشت به مارکس جهانی و همه گیر شد. فروش "مانیفست حزب کمونیست" در تاریخ نخستین کتابی شد که بیش از انجیل بفروش رفت. با این تفاوت که مردم انجیل را برای تبرک می خردند و در کتابخانه ها می گذارند، اما پیشروان همه طبقات مانیفست را با ولع تمام می خوانند.

نیز روشن نمود. اهدای مجسمه ۶ متری کارل مارکس توسط دولت چین به اهالی تیر، محل تولد مارکس در آلمان، چیزی از این حقیقت نخواهد کاست.

کمپین "مارکس ۲۰۰"، که سازماندهی مراسم های بزرگداشت مارکس را به عهده گرفته از جمله نوشت: "۲۰۱۷ سال یکصد و پنجاهمین سال انتشار کتاب "سرمایه" بود. در فوریه ۲۰۱۸

"مانیفست حزب کمونیست" یکصد و هفتاد ساله شد. پنجم ماه مه نیز دو یستمین سال تولد مارکس خواهد بود.

تا زمانی که سرمایه داری به موجودیت خود ادامه می دهد، تعالیم مارکس راهنمای احزاب کمونیستی و متعلق به کارگران برای دست زدن

به انقلاب و استقرار سوسیالیسم خواهد بود. همانطور که فریدریش انگلس گفت: «مارکس در جایگاه والایی ایستاد، حوزه دید او بسیار

وسیع بود، بیشتر و سریع تر از همه ما تحلیل و بررسی نمود... بدون وجود او نظریه ما به هیچوجه نمی توانست آنطور باشد که اکنون هست. به همین سبب، این نظریه بنام او ثبت شد».

در شماره آینده جهان امروز به این مناسبت به صورت تفصیلی به جایگاه مارکس می پردازیم.

جهان امروز

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!